

قاصد

بررسی وضعیت تحولات
پس از تفاهم میان

ایران و آمریکا

۱۲ مهر ۱۴۰۵

ساعت تنظیم گزارش: ۱۷:۰۰

شماره ۱۸۷

مرکز رصد و پایش ق. رسانه



مقدمه و پیشگفتار

مجموع تحولات مورد بررسی نشان می‌دهد فضای سیاسی و رسانه‌ای پیرامون ایران در حال شکل‌گیری در نقطه تلاقی چند روند هم‌زمان است؛ روندهایی که در آنها احتمال دور جدید جنگ، فشار اقتصادی، مناقشه بر سر دیپلماسی، تحولات منطقه‌ای و جنگ روایت‌ها به یکدیگر متصل شده‌اند.

در سیاست داخلی، بخش مهمی از منازعه حول عملکرد دستگاه دیپلماسی و شخص وزیر امور خارجه، نحوه مواجهه با آمریکا، طرح‌های معیشتی شهرداری تهران و تقابل روایت‌های اصلاح طلب و انقلابی شکل گرفته و هم‌زمان، بحث درباره جنگ هراسی، تاب‌آوری اجتماعی و نسبت مذاکره با بازدارندگی به یکی از خطوط اصلی فضای سیاسی تبدیل شده است.

در حوزه امنیتی، تمرکز بر آسیب‌پذیری زیرساخت‌های لجستیکی، استمرار محاصره دریایی، تنگه هرمز، آرایش نظامی آمریکا و افزایش احتمال «دور سوم جنگ» قرار دارد؛ در حالی که کارشناسان داخلی نیز بیش از گذشته از بررسی اصل وقوع درگیری به ارزیابی زمان، شدت و دامنه جنگ احتمالی رسیده‌اند.

در بخش رسانه‌های معاند نیز همین مؤلفه‌ها باروایت‌هایی درباره قریب الوقوع بودن حمله، فروپاشی اقتصادی، اعتراضات، دانشگاه‌ها و حوادث امنیتی درهم آمیخته و برای تولید تصویری از افزایش آسیب‌پذیری داخلی به کار گرفته شده است.

در حوزه اقتصادی، جهش بازار ارز و خودرو، ناترازی انرژی، وضعیت بورس و مسکن، فشار بر معیشت و اعتراضات صنفی در کنار روایت تحریم و «طرد اقتصادی» آمریکا برجسته شده است.

در حوزه منطقه‌ای، کریدور خزر، میانجی‌گری قطر، تغییر محاسبات امنیتی عربستان، انصارالله و نشست کمپ دیوید در مرکز توجه قرار گرفته؛ و در حوزه بین‌الملل، رسانه‌ها و کارشناسان غربی هم‌زمان هزینه‌های جنگ برای آمریکا، فشار انتخاباتی بر جمهوری خواهان، محدود شدن فضای دیپلماتیک و خطر ورود تهران و واشنگتن به مرحله تازه‌ای از تقابل را مورد توجه قرار داده‌اند.

مهمترین اخبار خارجی و داخلی در ۲۴ ساعت منتهی به تهیه گزارش

اخبار و تحرکات محور آمریکا - غرب

- ❖ دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در تازه ترین اظهارات خود درباره ایران گفت به زودی درباره این کشور تصمیمی خواهد گرفت و افزود: «آن را به آسانی پیش می بریم یا به روشی دشوار. تهران عملاً برنامه های خود برای دستیابی به سلاح هسته ای را کنار گذاشته است و من درباره آن تصمیم گیری خواهم کرد.» (فاکس نیوز)
- ❖ اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا با تاکید بر تاثیر بخشی محاصره دریایی ایران اعلام کرد، ایران برای نخستین بار از زمان آغاز صادرات نفت، در هفته جاری هیچ نفتی برای بارگیری و انتقال از طریق دریا نخواهد داشت. (اکسیوس)
- ❖ پیت هگست وزیر جنگ آمریکا: اکنون نفت بیشتری نسبت به پیش از آغاز جنگ از تنگه هرمز عبور می کند، زیرا خلبانان فوق العاده ما کنترل حریم هوایی آنجا را در دست دارند. (فاکس نیوز)
- ❖ پیت هگست وزیر جنگ آمریکا: می توانیم تا هر زمان که لازم باشد، محاصره دریایی علیه ایران را حفظ کنیم. ایران می خواهد در مورد مسائلی مثل تنگه هرمز بازی در بیاورد؛ اما آن ها کنترل این تنگه را در دست ندارند، بلکه ما آن را در اختیار داریم. عملاً هیچ چیزی از سد ما عبور نکرده است. محاصره ما خلل ناپذیر بوده و با وجود آن، جریان عبور و مرور تقریباً به سطوح پیش از جنگ بازگشته است. (فاکس نیوز)
- ❖ مذاکرات میان ایران و آمریکا شاهد تحرکات دیپلماتیک فزاینده ای است و میانجی قطری مجموعه ای از پیشنهادها را برای نزدیک کردن مواضع دو طرف مطرح کرده است. (الجزیره)
- ❖ مدودف: روسیه و ایران باید به دنبال ساز و کارهای همکاری مالی باشند. (صداوسیما)
- ❖ مدودف: پروژه راه آهن رشت - آستارا از موتورهای اصلی توسعه در منطقه خواهد بود. (صداوسیما)
- ❖ یک مقام آمریکایی اعلام کرد که دوتن از اعضای هیئت دیپلماتیک ایران در نیویورک، به دلیل سرپیچی از دستورات صادر شده مبنی بر ترک خاک آمریکا، رسماً از ایالات متحده اخراج شده اند. (اکسیوس)
- ❖ نظرسنجی های جدید نیویورک تایمز / سینانشان می دهد دموکرات های یک ماه مانده به انتخابات میان دوره ای، در پنچ ایالت سنا که به طور سنتی جمهوری خواه محسوب می شوند، رقابتی جدی دارند. (نیویورک تایمز)
- ❖ فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، روز یکشنبه همراه با مدیران عامل شرکت های دفاعی این کشور وارد کی یف شد. (یورونیوز)
- ❖ رئیس جمهوری اوکراین گفت کشورش در پاسخ به آنچه «دکترین تازه» حملات هوایی روسیه خوانده، پالایشگاه های این کشور را هدف می گیرد. (رویترز)
- ❖ هزاران نظامی از جمهوری آذربایجان، ترکیه و ازبکستان و کشورهای ناظر دیگر از جمله ایران برای

نخستین بار در رزمایش «قدرت وحدت ۲۰۲۶» در منطقه قره باغ، شهرستان هوجاوند، شرکت کردند. (یورونیوز)

❖ وزارت دفاع روسیه: در پاسخ به تشدید تنش از سوی زلنسکی، حملات خود به کی‌یف و دیگر مناطق اوکراین را افزایش خواهیم داد. (راشاتودی)

❖ کشورهای اصلی اوپک پلاس در اصل توافق کرده‌اند سهمیه‌های تولید نفت را در ماه آینده میلادی بدون تغییر نگه دارند. (بلومبرگ)

❖ پلیس ژاپن می‌گوید یک تفنگدار نیروی دریایی آمریکا به نام دوین جیکوب بالارد را به ظن قتل یک زن ژاپنی به نام آئی یاگی، بازداشت کرده است. (بی‌بی‌سی)

اخبار و تحركات محور عبری - منطقه‌ای

❖ سخنگوی نظامی انصارالله یمن: با موشک‌های بالستیک و پهپادها، شرکت آرامکو در ریاض را هدف قرار دادیم. (المسیره)

❖ خبرگزاری رویترز تصاویری از آتش سوزی روز شنبه در نزدیکی یکی از تأسیسات آرامکو در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، منتشر کرده است. (رویترز)

❖ منابع یمنی از حملات تازه عربستان سعودی به صنعا، پایتخت یمن، و استان صعده در شمال این کشور خبر داده‌اند. (المسیره)

❖ نیروهای مسلح یمن شنبه، پس از درگیری‌های شدید با شبه نظامیان حوثی، کنترل قلعه سامع در جنوب شرقی استان تعز را به دست گرفتند. (خبرگزاری سبا)

❖ سخنگوی ارتش اسرائیل: ارتش اسرائیل و شاباک طی شب گذشته (شنبه) تلاش کردند در شهر غزه، علی‌العمودی، معاون رئیس دفتر سیاسی سازمان حماس در نوار غزه را هدف قرار دهند؛ او هنگام حضور در آپارتمانی که مورد استفاده فعالیت‌های تروریستی بود، هدف قرار گرفت. (ارتش دفاعی اسرائیل)

❖ تلاش برای ترور علی‌العامودی، از مقامات ارشد شاخه سیاسی حماس در غزه، شکست خورد. (رادیو ارتش اسرائیل)

❖ فرودگاه نجف اعلام کرد پروازهای این فرودگاه با ایران از روز یکشنبه از سر گرفته خواهد شد. (العربیه)

❖ شرکت ملی نفتکش عراق اعلام کرد دو میلیون بشکه نفت خام را توسط یک نفتکش غول‌پیکر به خارج از آب‌های تنگه هرمز منتقل کرده است. (الحدث)

❖ ائتلاف به رهبری عربستان سعودی ادعای حوثی‌ها درباره حمله به پایتخت این کشور را «گمراه‌کننده» خواند و رد کرد. (العربیه)

❖ سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا: گزارشی از وقوع یک حادثه در داخل تنگه هرمز دریافت شده است. یک نفتکش گزارش داده است که هدف یک پرتابه نامشخص قرار گرفته و در پی آن، اتاق

موتورخانه نفتکش آسیب دیده است. (بی بی سی)

اخبار مهم سیاسی - امنیتی داخلی

- ❖ پدافند هوایی نوین نیروهای مسلح کشورمان در قشمت موفق به رهگیری یک پرنده متخاصم و اجرای آتش در آسمان این جزیره شد. (تسنیم)
- ❖ روند کاهش ارزش پول ملی ایران روز شنبه ۱۱ مهر ادامه یافت و بهای دلار آمریکا در بازار آزاد برای نخستین بار از مرز ۲۷ هزار تومان عبور کرد. (راديو فردا)
- ❖ قالیباف در نطق امروز جلسه علنی: آمریکایی ها که در رسانه ها حرف دیگری می زنند، اخیراً از طریق میانجی، پیشنهادهایی مطرح کرده اند. اما باید متوجه باشند که دوران فرسایش زمان و دیکته کردن مطالبات یک طرفه گذشته است و موضع جمهوری اسلامی ایران کاملاً شفاف و قطعیت و تازمانی که هفت شرط ما بر اساس تفاهم نامه اسلام آباد، محقق نشود تنگه ی هرمرز باز نخواهد شد. (تسنیم)
- ❖ عراقچی: اگر دوباره مسیر نظامی انتخاب شود، پاسخ ایران محکم تر خواهد بود. (خبرگزاری دانشجو)
- ❖ عراقچی: بازگشایی تنگه هرمرز به پذیرش شروط ایران و رفع محاصره مشروط شد. (خبرگزاری دانشجو)
- ❖ عراقچی: هیئت ایرانی از آمریکا اخراج نشد، طبق برنامه به نیویورک رفتیم و برگشتیم. (خبرگزاری دانشجو)
- ❖ بقائی سخنگوی وزارت امور خارجه: اگر در آینده باز هم شاهد تعرضی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی باشیم و از خاک این کشورها برای حمله به ایران استفاده شود، قطعاً به شیوه ای متفاوت پاسخ داده خواهد شد. (ایرنا)
- ❖ سخنگوی وزارت خارجه: وزیر خارجه از اعضای کمیته شش نفره ای است که زیر نظر شورای عالی امنیت ملی فعالیت می کند. (ایرنا)
- ❖ سخنگوی وزارت خارجه: ادعای ترامپ درباره نامشخص بودن طرف مذاکره ایران مبنایی ندارد. آمریکایی ها می دانند تصمیم گیری در ایران چگونه انجام می شود. (ایرنا)
- ❖ قیمت دلار آمریکا با افزایش نسبت به روز گذشته به ۲۷۳ هزار و ۱۰۰ تومان رسیده است. (ايندپندنت)
- ❖ بازنشستگان تأمین اجتماعی روز یک شنبه ۱۲ مهر بار دیگر در شهرهای مختلف ایران تجمع های اعتراضی برگزار کردند. (راديو فردا)

نگاه جریان های داخلی به جنگ و مسائل مرتبط

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ افزایش حجمه های رسانه ای علیه دستگاه دیپلماسی دولت و شخص وزیر امور خارجه حول ماندن عراقچی در نیویورک و ادعای اخراج از آمریکا
- ❖ هم سویی غیرمنتظره برخی طیف های داخلی و اپوزیسیون خارجی در شایعات پناهندگی، اقدام بدون مجوز و مطالبه استیضاح
- ❖ نقد مدافعان دیپلماسی به تکرار روایت های سلطنت طلبی و اسرائیلی توسط بخشی از جریان داخلی
- ❖ طرح اتهام سیاسی کاری و تلاش انتخاباتی علیرضا زاکانی در پوشش طرح های «تورم صفر» و حمایت از فرزندآوری شهرداری تهران
- ❖ نقد فنی، عملکردی و رسانه ای اصلاح طلبان به مدیریت شهری با اتهام شهرفروشی، ترک فعل و استفاده انتخاباتی از طرح های معیشتی (سوء استفاده از شرایط شبهه جنگی کشور)
- ❖ دفاع رسانه های انقلابی از زاکانی به عنوان کاهش دهنده بار دولت و مصداق اتحاد مسئولان در شرایط جنگ اقتصادی
- ❖ تقویت رویکرد «جنگ هراسی» در جریان اصلاح طلب همزمان با افزایش تهدیدات نظامی جبهه دشمن
- ❖ برجسته سازی قطعیت حمله مجدد آمریکا، پیوند فشار معیشتی با پیش درآمد جنگ و سناریوسازی توطئه های پنهان در میان برخی تحلیلگران داخلی
- ❖ ایجاد تقابل میان تاب آوری نامحدود و اکثریت خاموش برای فشار روانی بر افکار عمومی توسط علی شکوری راد
- ❖ بازتعریف مذاکره به عنوان تنها راه نجات و تلاش برای تغییر ادبیات راهبردی کشور از شرط گذاری به جدیت توافق

صد و تحلیل

افزایش حجمه های رسانه ای علیه دستگاه دیپلماسی دولت و شخص وزیر امور خارجه

در فضای سیاسی ایران، موضوع ماندن سید عباس عراقچی در نیویورک و انتشار خبر اخراج او از آمریکا، به یکی از محورهای اصلی حجمه علیه دولت تبدیل شده است. این موضوع در کنار مسئله دیدار با سران آمریکایی، به سوژه ای برای یک اقدام رسانه ای یکپارچه در فضای مجازی بدل شده که طیف های مختلف سیاسی را در کنار هم قرار داده است. ادعاهایی نظیر اخراج با دستور مارکوروبیو، گفتگوی خودسرانه با ویتکاف، شایعه پناهندگی سیاسی و درخواست استیضاح، همه در بازه ای کوتاه مطرح شده اند.

❖ روایت اول، روایت منتقدان تندرو است. مهدی خانعلی زاده با ادعای اخراج عراقچی، خواستار رسیدگی فوری مجلس به «اقدامات بدون مجوز و خلاف دستورات رهبری» شده است. هوشنگ هادیان پور در تجمع شبانه، در هر دو حالت خودسرانه یا هماهنگ شده، خواستار پاسخگویی او شده و در صورت «خطای راهبردی» عذرخواهی پشت تربیون را طلب کرده است. ابوالقاسم طالبی نیز بالحنی کنایه آمیز خواستار برکناری عراقچی شده و کاربران نزدیک به جبهه پایداری شایعه پناهندگی سیاسی را منتشر کرده اند. حاجی دلیگانی نیز از کنترل «زبان و دهان عراقچی» و پیگیری استیضاح سخن گفته است.

❖ روایت دوم، روایت مدافعان و منتقدان این هجمه است. محمد مهاجری، عضو شورای اطلاع رسانی دولت، شایعه پناهندگی را ساخته سلطنت طلب ها و رسانه های اسرائیلی دانسته و پرسیده چرا «پایداری چی ها» همان را تکرار می کنند. احمد زیدآبادی نیز با نقد اظهارات حاجی دلیگانی، هشدار داده که چنین حرف هایی بهانه به دست آمریکا و اسرائیل می دهد و افرادی مانند او مأموریت خود را خنثی سازی دیپلماسی و مدرک سازی علیه کشور تعریف کرده اند.

جمع بندی آنکه، این تقابل نشان دهنده دو قطبی سازی هدفمند علیه دستگاه دیپلماسی است که در آن، همسویی غیرمنتظره طیف های داخلی و اپوزیسیون خارجی، به ابزاری برای تضعیف مذاکره و دیپلماسی تبدیل شده است.

طرح اتهام سیاسی کاری و تلاش انتخاباتی علیرضا زاکانی در پوشش بهبود اوضاع معیشتی شهروندان تهرانی

در شرایطی که کشور در میانه جنگ اقتصادی و فشارهای بیرونی قرار دارد، **شهرداری تهران** دو طرح کلان معیشتی را آغاز کرده است: «**تورم صفر**» با تثبیت شش ماهه قیمت ۱۲ قلم کالای اساسی (برنج، روغن، گوشت، حبوبات و...) در ۱۰۸ میدان میوه و تره بار و فروشگاه های شهروند، و **طرح حمایت از فرزندآوری** با پرداخت ماهانه ۳۰۵ تا ۴۳ میلیون تومان برای متولدان ۱۴۰۵ به بعد. **علیرضا زاکانی، شهردار تهران**، این اقدامات را ذیل «پشت دیوار وظایف پنهان نشویم» تبیین کرده و آن را همکاری با دولت برای کاهش بار معیشتی مردم خوانده است. اما هم زمان، **موجی از انتقادات سیاسی از سوی جریان اصلاح طلب و رسانه های منتسب به آن شکل گرفته است.**

محور اول: نقد اصلاح طلبان

❖ منتقدان اصلاح طلب در سه محور اصلی فعال شده اند: نخست، نقد فنی و جمعیتی؛ ناصر امانی با «۹ ماه زمان لازم است» طرح فرزندآوری را بی اثر در سال جاری می داند. دوم، نقد عملکردی و حقوقی؛ پیروز حناچی با اشاره به بودجه ۳۵۰ هزار میلیارد تومانی، تخریب باغ ها، تراکم فروشی و افزودن ۲۰ هزار نیروبدون ارزیابی، مدیریت شهری را به «ترک فعل» و شهرفروشی متهم می کند. سوم، نقد رسانه ای؛

کانال‌هایی چون «بهشت آنلین» و «احزاب آنلین» با ادبیات تند، زاکانی رابه استفاده انتخاباتی از طرح‌ها برای انتخابات ۱۴۰۷ متهم می‌سازند.

محور دوم: رویکرد رسانه‌های انقلابی

❖ در مقابل، رسانه‌های جبهه انقلاب مانند فارس با چارچوب «چرا حمله به کسی که بار دولت را کم می‌کند؟» از زاکانی دفاع می‌کنند. استدلال محوری این است که دولت مستقر مورد حمایت اصلاح‌طلبان است و انتظار می‌رود هر ظرفیتی که فشار را از دوش دولت برمی‌دارد، حتی اگر مدیریتش رقیب سیاسی باشد، مورد استقبال قرار گیرد. این رسانه‌ها هم‌زمانی حملات با ورود شهرداری به حوزه معیشت را «پرسش سیاسی قابل تأمل» می‌خوانند.

محور سوم: کاربران انقلابی در برابر اصلاح‌طلبان

کاربران انقلابی در ایکس دورویکرد دارند: بخشی با طعنه به انگیزه انتخاباتی («شما هم شش ماه دلار را ثابت نگه دارید») و بخشی با دفاع تمام‌قد و **هشتگ #سرطان_اصلاحات**. کاربران انقلابی همچنین نیز با بازنشر کنایه آمیز حسام‌الدین آشنا «بماند به یادگار» بر بی‌عملی دولت و رکورد زنی تورم تأکید می‌کنند. این تقابل نشان می‌دهد میدان افکار عمومی به عرصه نبرد روایت‌ها تبدیل شده است.

تحلیل راهبردی

اقدام شهرداری تهران را باید در چارچوب دو اصل راهبردی تحلیل کرد:

❖ نخست، افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر جنگ اقتصادی؛ تثبیت قیمت کالاهای اساسی و حمایت از فرزندآوری، مستقیماً فشار معیشتی را بر خانوارها کاهش می‌دهد و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند.

❖ دوم، اتحاد مقدس مسئولان که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تأکید کرده‌اند؛ همکاری شهرداری با دولت در شرایط جنگ، مصداق عینی «همفکری و همیاری» کارگزاران برای رفع مشکلات مردم است. بنابراین، فشارهای سیاسی اصلاح‌طلبان نه تنها این اقدامات را تضعیف نمی‌کند، بلکه باید به فرصتی برای هم‌افزایی رسانه و افکار عمومی جبهه انقلاب تبدیل شود تا با روایت‌سازی دقیق، خدمت به مردم در برابر بازی‌های سیاسی برجسته گردد. راهبرد پیشنهادی، تمرکز بر «خدمت در میدان، نه نزاع در رسانه» است.

جمع‌بندی

طرح‌های معیشتی شهرداری تهران، در صورت تداوم و شفافیت، می‌تواند الگویی برای دیگر نهادها باشد. جبهه انقلاب باید با پرهیز از دام‌های سیاسی، این اقدامات را به گفتمان «تاب‌آوری ملی» و «اتحاد مسئولان» گره بزند و نقدهای غیرمنصفانه را با داده و منطق پاسخ دهد.

تقویت رویکرد «جنگ هراسی در میان جریان اصلاح طلب» همزمان با افزایش تهدیدات جبهه دشمن علیه ایران

در هفته های اخیر و هم زمان با تشدید تهدیدات نظامی از سوی سران دولت آمریکا، مجموعه ای از اظهارات و تحلیل ها در رسانه های منتسب به جریان اصلاحات، تصویری هولناک از آینده کشور ترسیم کرده است. این جریان رسانه ای با برجسته سازی گزاره هایی چون «دشوارترین مقطع کشور»، «قطعیت حمله مجدد آمریکا» و «شدت بی سابقه جنگ سوم»، در کنار هشدارهایی درباره «ماه سرنوشت ساز» و لزوم «بهانه ندادن به دشمن»، و در ادامه با روایت های کلان از ضرورت بنیانی جنگ و تأکید بر بازگشت به توافق و مذاکره، گفتمانی منسجم از «جنگ هراسی» را شکل داده است. این هم نشینی معنادار میان تهدید نظامی بیرونی و بازتولید رسانه ای آن در داخل، الگویی هدفمند از انتقال ترس به افکار عمومی را نمایان می سازد.

محوربندی سازوکارهای انتقال جنگ هراسی

۱. **برجسته سازی قطعیت تهدید نظامی:** امیرعلی ابوالفتح با عبارت «حمله مجدد آمریکا به ایران قطعی است» و «جنگ سوم آمریکا با ایران به مراتب شدیدتر از دو جنگ قبلی خواهد بود»، تهدید را از سطح احتمال به سطح واقعیت منتقل می کند و ذهن مخاطب را برای پذیرش سناریوی جنگ آماده می سازد.

۲. **پیوند مسائل اقتصادی با فروپاشی:** یدالله کریمی پور با استناد به گزاره های محسن رضایی درباره «دشوارترین مقطع کشور» و ارجاع به گزارش تسنیم درباره «شرایط جنگی و کاهش درآمدهای نفتی»، فشار معیشتی را به نشانه ای از پیش درآمد جنگ تبدیل می کند و ناامیدی اقتصادی را با ترس نظامی گره می زند.

۳. **روایت سازی از استیصال و بن بست راهبردی:** علی شکوری راد در گفت و گو با روزنامه اعتماد، با تأکید بر «استیصال راهبردی آمریکا» و «دشوارترین مقطع»، هم زمان دو پیام متناقض می فرستد: هم تهدید را بزرگ می کند و هم راه برون رفت را منحصر به «مذاکره» و «بازگشت به تفاهم نامه اسلام آباد» نشان می دهد.

۴. **سناریو سازی از توطئه های پنهان:** مهرداد احمدی شیخانی در یادداشت «چرا جنگ پایان نمی گیرد؟» با روایت هایی مانند «ماجرای پایگاه نظامی در انگلستان»، «هواپیمای اماراتی با مسافران اسرائیلی» و «داستان سازی عربستان در مکه»، اذهان را برای پذیرش هرگونه حادثه به عنوان زمینه چینی جنگ آماده می کند.

۵. **ایجاد تقابل میان «تاب آوری نامحدود» و «اکثریت خاموش»:** علی شکوری راد در همان گفت و گو با روزنامه اعتماد، با هشدار درباره پایان «تاب آوری جامعه» و ادعای فاصله میان «صدای تندروها» و «اکثریت خاموش»، فشار روانی مضاعفی بر افکار عمومی وارد می کند.

۶. **بازتعریف نقش مذاکره به عنوان تنها راه نجات:** روزنامه جمهوری اسلامی با عبارت «ماه آینده

سرنوشت ساز است» و «کسی به دشمن بهانه شروع جنگ ندهد»، و علی شکوری راد با تکرار «بازگشت به اسلام آباد» و «میانجی گری چین»، مذاکره رانه یک گزینه، بلکه تنها مسیر ممکن جلوه می دهند.

اهداف راهبردی این جریان

❶ کوتاه مدت: ایجاد فضای روانی فشار برای کاستن از مقاومت افکار عمومی در برابر هرگونه عقب نشینی دیپلماتیک و آماده سازی ذهن جامعه برای پذیرش توافق.

❷ میان مدت: تغییر ادبیات راهبردی کشور از «شرط گذاری» به «جدیت مذاکره» و مشروعیت بخشی به روایت «تنها راه، مذاکره است».

❸ بلند مدت: بازتعریف هویت راهبردی ایران از بازیگر مقاوم و مستقل به بازیگری محتاط که بقای خود را در «توافق با غرب» جست و جوی کند — هدفی که در نهایت به تضعیف گفتمان مقاومت و بازسازی نظم منطقه ای مورد نظر آمریکایی انجامد.

روندها و تحلیل‌های امنیتی، نظامی و دفاعی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی آسیب‌پذیری شبکه لجستیکی کشور با تمرکز بر پل‌ها، تونل‌ها و گلوگاه‌های ارتباطی حساس
- ❖ القای احتمال تمرکز حملات آینده بر قطع پیوندهای ریلی و جاده‌ای میان مراکز نظامی، صنعتی و اقتصادی
- ❖ تأکید بر ماهیت دوگانه زیرساخت‌های حمل و نقل و امکان سرایت اختلال نظامی به حوزه‌های تجارت، انرژی و صنعت
- ❖ تصویرسازی جنوب و جنوب شرق کشور به عنوان نقاط آسیب‌پذیرتر به دلیل محدودیت مسیرهای جایگزین و شرایط جغرافیایی
- ❖ برجسته‌سازی «کنترل عملیاتی آمریکا بر تنگه هرمز» و «تداوم محاصره دریایی» به عنوان اهرم فشار علیه ایران
- ❖ پیوند مستقیم محاصره دریایی و فشار نظامی آمریکا با پرونده هسته‌ای ایران و طرح دوگانه «عقب‌نشینی هسته‌ای یا مواجهه باره سخت»
- ❖ حفظ ابهام درباره تشدید آرایش نظامی آمریکا در منطقه؛ خودداری هگست از رد احتمال اعزام سومین ناو هواپیمابر و تأکید بر فراهم‌سازی «حداکثر گزینه‌ها» برای ترامپ
- ❖ تفاوت میان ادعای «کنترل» آمریکا و واقعیت میدانی؛ تداوم افت شدید تردد تجاری و استمرار حملات به کشتی‌ها در منطقه
- ❖ افزایش فشار سیاسی بر پیت هگست با پیوند خوردن انتقادات از مدیریت جنگ ایران، هزینه‌های فزاینده نظامی و نحوه اداره پنتاگون
- ❖ گسترش نارضایتی از عملکرد هگست از محافل دموکرات به بخشی از جمهوری خواهان، همزمان با افزایش نگرانی‌ها درباره پیامدهای انتخاباتی جنگ ایران
- ❖ برجسته‌شدن پاک‌سازی و جابه‌جایی گسترده فرماندهان ارشد نظامی به عنوان یکی از محورهای اصلی انتقاد از عملکرد هگست و نگرانی از سیاسی‌شدن ساختار فرماندهی
- ❖ ازدیاد گمانه‌زنی‌ها درباره تبدیل هگست به «نقطه تخلیه فشار سیاسی» و احتمال کنارگذاشتن وی در صورت افزایش هزینه‌های جنگ یا تشدید فشارهای پس از انتخابات میان دوره‌ای
- ❖ وزن دهی به احتمال وقوع «دور سوم جنگ با ایران» در ارزیابی کارشناسان داخلی همزمان با تقویت آرایش نظامی آمریکا در منطقه
- ❖ عبور تدریجی تحلیل‌های کارشناسان داخلی از پرسش درباره «اصل وقوع جنگ علیه ایران» به سمت بررسی «زمان، شدت و دامنه دور بعدی درگیری»

❖ هشدار کارشناسان داخلی نسبت به احتمال ورود رژیم صهیونیستی به جنگ ضد ایران و گسترش جغرافیایی درگیری به پایگاه‌های آمریکا و کشورهای منطقه در صورت آغاز دور جدید جنگ

❖ تأکید کارشناسان داخلی بر ضرورت حفظ بازدارندگی و اهرم‌های فشار ایران در کنار دیپلماسی و هشدار درباره برداشت واشنگتن از امتیازدهی یک طرفه به عنوان نشانه ضعف

رصد و تحلیل

ادعای ایران اینترنشنال مبنی بر شکل‌گیری الگویی برای ایجاد اختلال در شبکه حمل و نقل ایران توسط آمریکا و اسرائیل

گزارش اختصاصی ایران اینترنشنال با تمرکز بر آسیب‌پذیری شبکه لجستیکی ایران در برابر حملات نظامی به پل‌ها، تونل‌ها و گلوگاه‌های ارتباطی، مدعی است حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر نشان‌دهنده شکل‌گیری الگویی برای ایجاد اختلال در شبکه حمل و نقل کشور بوده است. این گزارش تأکید دارد:

در حملات ۱۸ فروردین به شش پل ریلی، هدف قرار گرفتن چهار پل در محورهای مختلف توانست به طور موقت ارتباط ریلی تهران با بخش‌های عمده شبکه سراسری را مختل کند؛

هرچند بیشتر این پل‌ها طی چند روز با سازه‌های پیش ساخته به صورت موقت بازسازی شدند. براساس بررسی این رسانه، در ۲۵ محور جاده‌ای اصلی که مراکز نظامی، پایگاه‌ها و مراکز شناخته شده مرتبط با برنامه موشکی را به یکدیگر متصل می‌کنند، حدود ۸۰۰ پل و ۹۰ تونل بزرگ قرار دارد. همچنین در شبکه راه‌آهن سراسری، ۶۷۰ پل و ۳۸۰ تونل بزرگ شناسایی شده است. گزارش مدعی است: بخش مهمی از مراکز تولید، مونتاژ و ذخیره‌سازی موشکی و نیز مقرهای نیروهای زمینی ارتش و سپاه به این شبکه‌های ریلی و جاده‌ای دسترسی دارند.

در بخش اقتصادی نیز گزارش بر ماهیت دوگانه این زیرساخت‌ها تأکید دارد؛ زیرا همان خطوطی که برای جابه‌جایی نیرو و تجهیزات نظامی اهمیت دارند، بنادر اصلی، پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، معادن و صنایع بزرگی مانند فولاد را نیز به شبکه حمل و نقل کشور متصل می‌کنند. از این منظر، اختلال گسترده در شبکه ریلی می‌تواند علاوه بر حوزه نظامی، پیامدهای قابل توجهی برای تجارت، انرژی، صنعت و انتقال کالا ایجاد کند.

نکته محوری گزارش آن است که ایران اینترنشنال تلاش دارد حملات قبلی به پل‌های کوچک و قابل ترمیم رانه صرفاً عملیات تخریبی، بلکه نشانه‌ای از شناسایی و آزمون گلوگاه‌های شبکه لجستیکی ایران تصویر کند. در این چارچوب، جنوب و جنوب شرق کشور به دلیل محدودتر بودن مسیرهای جایگزین و وجود موانع طبیعی، آسیب‌پذیرتر از غرب و شمال ارزیابی شده‌اند.

جمع‌بندی و تحلیل

گزارش ایران اینترنشنال در مجموع تلاش دارد شبکه حمل و نقل ولجستیکی ایران را به عنوان یکی از نقاط بالقوه آسیب پذیر در تداوم جنگ معرفی کند و حملات پیشین به پل های ریلی را بخشی از روند شناسایی و آزمون گلوگاه های زیرساختی کشور جلوه دهد. تمرکز همزمان بر کارکرد نظامی و اقتصادی این شبکه، با هدف برجسته سازی این گزاره است که حمله به زیرساخت های حمل و نقل می تواند فراتر از اختلال در جابه جایی نیرو و تجهیزات، بر زنجیره تأمین، صنعت، انرژی و تجارت نیز اثرگذار باشد. از منظر تحلیلی، این گزارش بیش از آنکه صرفاً توصیفی باشد، نوعی نقشه سازی رسانه ای از نقاط فشار زیرساختی ایران ارائه می دهد و با برجسته کردن مناطق دارای مسیرهای جایگزین محدود، تلاش دارد آسیب پذیری جغرافیایی شبکه لجستیکی کشور را پررنگ کند.

تداوم پیوند محاصره دریایی ایران با پرونده هسته ای ایران و حفظ گزینه تشدید نظامی علیه آن در مصاحبه هگست

پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، در اظهارات تازه خود، بار دیگر محاصره دریایی ایران را به پرونده هسته ای گره زد و بر حفظ گزینه های تشدید نظامی و واشنگتن علیه تهران تأکید کرد. هگست روز شنبه در مصاحبه با نیوزمکس مدعی شد:

محاصره آمریکا در ارتباط با تنگه هرمز «نفوذناپذیر» است و واشنگتن، کنترل عملیاتی تنگه را در اختیار دارد نه تهران.

به گفته وی، ایران «عملاً نتوانسته چیزی از محاصره عبور دهد» و در مقابل، عبور محموله های مورد تأیید آمریکا در برخی شب ها تقریباً به سطح پیش از جنگ رسیده است. وی هشدار داد در صورت ادامه آنچه «بازی ایران با تنگه هرمز» خواند، ترامپ «تمام گزینه های مورد نیاز» را در اختیار خواهد داشت.

بخش مهم دیگر اظهارات هگست، اتصال مستقیم موضوع هرمز به برنامه هسته ای ایران است. وی گفت:

پیام واشنگتن این است که ایران «هرگز» به سلاح هسته ای دست نخواهد یافت و تهران اکنون باید میان کنار گذاشتن برنامه مورد ادعای واشنگتن یا مواجهه با «راه سخت» انتخاب کند.

هگست همچنین از تعیین زمان پایان عملیات نظامی خودداری کرد و درباره احتمال اعزام سومین ناو هواپیمابر آمریکا نیز پاسخ نداد؛ اما تأکید کرد مأموریت او فراهم کردن حداکثر گزینه های ممکن برای تصمیم گیری ترامپ است.

تحلیل

در بُعد عملیاتی، داده های منتشر شده طی روزهای اخیر نشان می دهد محاصره صرفاً در سطح تهدید لفظی نیست. سنتکام اعلام کرده تا ۳ سپتامبر ۱۲۵ کشتی تجاری را برای اجرای محاصره ایران

تغییر مسیر داده و ناو هواپیمابر جورج اچ دبلیو بوش نیز در دریای عرب از این عملیات پشتیبانی می‌کند.

با این حال، ادعای هگست درباره «کنترل» تنگه باید از وضعیت واقعی کشتیرانی تفکیک شود. داده‌های مستقل و گزارش‌های اخیر همچنان از سطح پایین تردد و استمرار مخاطرات امنیتی حکایت دارند؛ دوروز پیش گزارش شد دست کم چهار کشتی تجاری طی همان هفته هدف حمله قرار گرفته‌اند و داده‌های ویندوارد برای یک روز تنها ۱۶ تلاش برای عبور نشان می‌داد، در حالی که متوسط پیش از جنگ حدود ۱۴۰ عبور روزانه عنوان شده است. بنابراین عبارت «نزدیک سطح پیش از جنگ» احتمالاً به حجم محموله‌های عبوری تحت سازوکار مورد حمایت آمریکا اشاره دارد و نه بازگشت تعداد کشتی‌ها یا وضعیت کلی تردد به شرایط عادی.

جمع‌بندی

اظهارات جدید هگست بیش از آنکه اعلام آغاز یک اقدام جدید باشد، تأکید بر تداوم محاصره موجود و تبدیل آن به اهرم فشار همزمان نظامی، اقتصادی و مذاکراتی علیه ایران است. نکته تازه و قابل توجه، کنار هم قرار گرفتن سه پیام است:

❶ ادعای «کنترل آمریکا بر هرمز»

❷ خودداری از رد احتمال افزایش ناوهای هواپیمابر

❸ هشدار درباره «راه سخت» در پرونده هسته‌ای

در عین حال، داده‌های مربوط به پایین ماندن شمار عبور کشتی‌ها و ادامه حملات دریایی نشان می‌دهد ادعای «کنترل کامل» آمریکا هنوز به معنای بازگشت عادی و پایدار کشتیرانی تجاری به شرایط پیش از جنگ نیست.

افزایش نارضایتی‌ها از عملکرد وزیر جنگ ایالات متحده و طرح موضوع احتمال برکناری او

گزارش‌ها نشان می‌دهند که انتقاد از مدیریت جنگ ایران در آمریکا، از سطح حملات معمول دموکرات‌ها عبور کرده و به تدریج با نارضایتی بخشی از جمهوری خواهان از عملکرد پیت هگست و نحوه اداره پنتاگون پیوند خورده است.

درخواست دموکرات‌ها برای کناره‌گیری هگست

پیت بوتجج، وزیر پیشین حمل و نقل و از چهره‌های مطرح دموکرات، در گفت‌وگو با MSNOW با عبارت «آمریکا عصبانی است»، جنگ ایران را یکی از محورهای نارضایتی عمومی از دولت ترامپ معرفی کرده و مستقیماً از هگست خواسته است کنار برود. موضع وی بخشی از تلاش دموکرات‌ها برای تبدیل جنگ ایران و عملکرد وزیر جنگ به مسئله انتخاباتی در آستانه انتخابات میان دوره‌ای است.

این موضع با داده‌های تازه افکار عمومی همخوانی دارد؛ نظرسنجی AP-NORC نشان می‌دهد ۶۹

درصد آمریکایی‌ها معتقدند جنگ ایران ارزش جنگیدن نداشته و تنها ۲۸ درصد عملکرد ترامپ در قبال ایران را تأیید می‌کنند.

گسترش نارضایتی به درون جمهوری خواهان

مهم‌تر از انتقادات دموکرات‌ها، گزارش اخیر سمافور از نارضایتی برخی سناتورهای جمهوری خواه از هگست است. هگست علاوه بر درخواست بودجه ۱.۵ تریلیون دلاری پنتاگون، خواستار ۸۸ میلیارد دلار دیگر برای هزینه‌های مرتبط با جنگ ایران و تسلیحات شده است. نارضایتی قابل توجهی از نحوه پیش رفتن جنگ وجود دارد و این وضعیت به شانس انتخاباتی جمهوری خواهان لطمه می‌زند. رویترز نیز در ارزیابی فضای انتخابات میان دوره‌ای گزارش کرده:

فرسایشی شدن جنگ ایران و اثر آن بر قیمت انرژی و هزینه زندگی به یکی از نقاط آسیب‌پذیری جمهوری خواهان تبدیل شده و برخی نامزدها و رأی‌دهندگان جمهوری خواه در حال فاصله گرفتن از مواضع ترامپ درباره جنگ هستند.

انتقادهای از پاکسازی فرماندهان در کنار اذعان به برخی اصلاحات

واشنگتن پست عملکرد هگست را مورد بررسی قرار داده است. این روزنامه ارزیابی یکسره منفی از برنامه هگست ندارد و تشکیل «فرماندهی جنگ خودمختار» برای توسعه جنگ پهپادی و استفاده از ظرفیت فناوری بخش خصوصی را از بخش‌های قابل دفاع برنامه وی می‌داند؛ به‌ویژه اینکه جنگ ایران ضعف آمریکا در آمادگی برای جنگ پهپادی را آشکار کرده است.

با این حال، نقطه اصلی انتقاد آن، برکناری ۲۶ ژنرال و دریا سالار، متوقف یا معلق شدن ارتقای حدود ۵۵ نفر دیگر و برنامه کاهش مجموعاً ۲۰ درصدی رده ژنرال‌ها و دریا سالاران است. منتقدان این روند را عامل تضعیف نظام ارتقای حرفه‌ای و افزایش سیاسی شدن ساختار نظامی ارزیابی می‌کنند.

تبدیل هگست به یکی از نقاط تمرکز انتقادات

نیویورکر نیز هگست را فردی توصیف کرده که احتمالاً در صورت تغییر موازنه قدرت در کنگره به یکی از اهداف اصلی نظارتی کنگره تبدیل خواهد شد. همزمان گزارش دیگری از واشنگتن پست احتمال برکناری وی پس از انتخابات را مطرح کرده و معتقد است ترامپ می‌تواند از تغییر وزیر جنگ به عنوان ابزاری برای «بازتنظیم سیاسی» و انتقال بخشی از مسئولیت مشکلات جنگ استفاده کند.

جمع‌بندی و تحلیل

مجموع این گزارش‌ها از شکل‌گیری یک فشار چندلایه علیه هگست حکایت دارد که سه موضوع زیر را به یکدیگر متصل کرده است:

❖ فرسایشی شدن جنگ ایران

❖ هزینه‌های فزاینده نظامی

❖ نحوه مدیریت و پاکسازی ساختار فرماندهی پنتاگون

اهمیت تحولات اخیر بیش از انتقادات دموکرات‌ها، در آشکار شدن نشانه‌های نارضایتی در داخل حزب جمهوری خواه است؛ به ویژه آنکه جنگ ایران در آستانه انتخابات میان دوره‌ای به یک آسیب انتخاباتی برای حزب حاکم تبدیل شده است. با این حال، فعلاً نشانه معتبری از تصمیم ترامپ برای کنار گذاشتن هگست وجود ندارد.

از منظر سیاسی، هگست در حال تبدیل شدن به یکی از نقاط بالقوه تخلیه فشار ناشی از پیامدهای جنگ است؛ بنابراین در صورت افزایش هزینه‌های جنگ، تلفات یا شکست جمهوری خواهان در انتخابات، احتمال تشدید فشار برای تغییر روی افزایش می‌یابد. در مقابل، نشست محرمانه اخیر مقامات ارشد امنیت ملی آمریکا در کمپ دیوید و بررسی احتمال از سرگیری عملیات گسترده علیه ایران نشان می‌دهد که افزایش انتقادات داخلی تاکنون الزاماً به کاهش تمایل دولت ترامپ به تشدید نظامی منجر نشده است.

هشدار کارشناسان داخلی درباره احتمال وقوع دور سوم جنگ همزمان با مناقشه بر سر حفظ بازدارندگی در کنار دیپلماسی

رصد اظهارات کارشناسان و چهره‌های سیاسی داخلی طی روزهای اخیر نشان می‌دهد احتمال آغاز دور دیگری از رویارویی نظامی ایران و آمریکا به یکی از محورهای اصلی فضای تحلیلی داخل کشور تبدیل شده است. بخش قابل توجهی از این تحلیل‌ها، آرایش نظامی آمریکا، دشواری حصول توافق سیاسی و تشدید لحن واشنگتن رانسانه افزایش خطر برخورد می‌دانند؛ در مقابل، بحث مهم دیگری نیز درباره چگونگی مواجهه تهران شکل گرفته است: آیا کاهش تنش از مسیر مذاکره امکان‌پذیر است یا عقب نشینی از شروط و اهرم‌های فشار ایران می‌تواند ادراک ضعف ایجاد کرده و احتمال اقدام نظامی آمریکا را افزایش دهد؟

برجسته سازی احتمال ورود دوباره ایران و آمریکا به چرخه جنگ

محسن جلیوند، استاد روابط بین الملل و تحلیل‌گر سیاست خارجی، وضعیت موجود را در مسیر «تصادد بحران» ارزیابی کرده و معتقد است تفاوت بنیادین نگاه تهران و واشنگتن به چارچوب توافق، احتمال موفقیت مذاکرات را کاهش داده است.

به احتمال بسیار زیاد دوباره برخورد خواهیم داشت. مذاکره هم به جایی نخواهد رسید، زیرا اساساً دیدگاه دو طرف نسبت به مسئله متفاوت است.

جلیوند همچنین ورود اسرائیل به دور بعدی درگیری را محتمل دانسته و هشدار داده است که گسترش حملات به پایگاه‌های آمریکا در منطقه می‌تواند کشورهای میزبان این پایگاه‌ها را نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وارد منازعه کند.

اگر آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها بایکدیگر هماهنگ کنند، یقیناً اسرائیل نیز وارد جنگ خواهد شد...

حتی ممکن است برخی کشورهای عربی نیز وارد جنگ شوند.

هشدار نظامی درباره افزایش احتمال حمله گسترده

مجید رجبی، کارشناس مسائل نظامی، افزایش نیروها و استمرار مأموریت یگان‌های آمریکایی در منطقه رانشانه‌ای از بالا ماندن احتمال درگیری دانسته و دو سناریوی ادامه محاصره همراه با حملات محدود و آغاز یک حمله گسترده تر را مطرح کرده است.

تمدید مأموریت لشکر ۸۲ هوای آمریکا تا سال ۲۰۲۷ و تقویت نیروهای این کشور در اطراف ایران، نشان می‌دهد که احتمال جنگ بسیار بالاست... ادامه محاصره و حملات محدود یا حمله‌ای گسترده به سبک جنگ ۴۰ روزه که احتمال آن بیشتر است.

طرح «جنگ وجودی» در صورت تجاوز مجدد

سید عباس موسوی، دیپلمات و معاون دفتر رئیس‌جمهور، ارزیابی متفاوتی را از ماهیت احتمالی دور بعدی جنگ مطرح کرده و تأکید داشته است که در صورت تجاوز مجدد، تهران دامنه پاسخ خود را محدود به الگوهای پیشین نخواهد کرد.

ایران جنگ بعدی را حتماً جنگ وجودی تلقی و از همه ابزارها و امکاناتش در سراسر جهان برای دفاع و ضربه به دشمنان استفاده خواهد کرد؛ از جنگ نامتقارن تا حق دفاع پیشگیرانه یا پیشدستانه.

افزایش نشانه‌های آمادگی آمریکا برای «دور سوم»

داود منظور، رئیس‌پیشین سازمان برنامه و بودجه و اقتصاددان، تحرکات نظامی آمریکا و برگزاری نشست امنیتی در کمپ دیوید را در زمره علائمی قرار داده که از افزایش خطر دور دیگری از جنگ حکایت دارد؛ هرچند این احتمال را هنوز قطعی نمی‌داند.

خطر دور سوم جنگ در روزهای اخیر جدی‌تر شده، هرچند هنوز قطعی نیست. آمریکا در حال اعزام ناو سوم و حدود ۹ تا ۱۰ هزار نیروی دیگر به منطقه است و تیم امنیت ملی ترامپ نیز در کمپ دیوید درباره ایران جلسه محرمانه داشته است که همگی اینها نشانه آمادگی برای حمله است.

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا، ارزیابی صریح‌تری ارائه کرده و اصل حمله دوباره را تقریباً قطعی دانسته است؛ از دید او، مجهول اصلی دیگر اصل درگیری نیست بلکه زمان، شدت و سطح ابزارهایی است که واشنگتن ممکن است به کار گیرد.

تقریباً حمله مجدد آمریکا به ایران قطعی است و فقط زمان و شدت آن هنوز مشخص نشده است. جنگ سوم آمریکا با ایران به مراتب شدیدتر از دو جنگ قبلی خواهد بود، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی.

هشدار درباره تبدیل مذاکره بدون اهرم فشار به محرک جنگ

در کنار ارزیابی‌های نظامی، بخشی از تحلیل‌های داخلی برای این گزاره متمرکز شده اند که نوع سیگنال‌دهی تهران نیز می‌تواند در محاسبات واشنگتن مؤثر باشد. مهدی خراطیان، تحلیل‌گر مسائل سیاسی، ضمن

تأکید بر ضرورت حضور چین و روسیه در یک سازوکار دیپلماتیک چندجانبه، حفظ اهرم‌های اقتصادی و انرژی ایران را مکمل دیپلماسی می‌داند و نسبت به تبدیل مذاکره دوجانبه به مسیر امتیازدهی یک طرفه هشدار داده است.

این جنگ پیچیده جز با ابتکارات دیپلماتیک چندجانبه و سطح بالا در معیت حفظ فشار اقتصادی بر اوراق قرضه جهان پایان نخواهد یافت و اینکه با ویتکاف بنشینیم و امتیاز هسته‌ای دهیم، جز جری کردن ترامپ برای جنگ گسترده‌تر، چیزی را عاید ما نخواهد کرد.

علی قلهکی، فعال رسانه‌ای و تحلیلگر سیاسی، نیز مجموعه تحرکات اخیر آمریکا و تشدید لحن ترامپ را نشانه افزایش بی‌ثباتی دانسته و احتمال داده است واشنگتن بار دیگر با برآورد نادرست از وضعیت ایران وارد یک درگیری شدیدتر شود.

آمریکا با برآورد غلط، وارد جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان شد؛ ممکن است با برآورد غلط‌تر، دوباره وارد جنگی با شدت بسیار بالاتر هم بشود.

جمع‌بندی و تحلیل

برآیند این مواضع نشان می‌دهد فضای کارشناسی داخلی در حال حرکت به سمت جدی‌تر تلقی کردن سناریوی دور جدید جنگ است؛ با این حال، اهمیت این روند صرفاً در افزایش هشدارها نیست، بلکه در نوع صورت‌بندی رابطه میان دیپلماسی، بازدارندگی و خطر تصاعد بحران قرار دارد.

این روند رسانه‌ای نشان‌دهنده عبور تدریجی فضای کارشناسی داخلی از بحث درباره «احتمال وقوع جنگ» به سمت «چگونگی و ابعاد دور بعدی جنگ» است؛ تغییری که می‌تواند به تثبیت ادراک نزدیک بودن یک رویارویی تازه در افکار عمومی منجر شود.

در اغلب این تحلیل‌ها، افزایش آرایش نظامی آمریکا صرفاً یک ابزار فشار سیاسی تفسیر نمی‌شود، بلکه بخشی از آماده‌سازی عملیاتی برای سناریوی تشدید تلقی شده است؛ هرچند درباره زمان، دامنه و قطعی بودن اقدام نظامی همچنان اختلاف ارزیابی وجود دارد.

محور مهم‌تر این فضای تحلیلی، شکل‌گیری پیوند میان دیپلماسی و بازدارندگی است؛ به این معنا که مذاکره بدون حفظ اهرم‌های فشار، در بخشی از روایت‌های داخلی نه عامل کاهش تنش، بلکه عاملی برای تقویت ادراک ضعف و افزایش ریسک جنگ ارزیابی می‌شود.

برآیند این روند، قرارگرفتن سیاست‌گذاری ایران میان دو مخاطره همزمان است: از یک سو ارسال سیگنال عقب‌نشینی می‌تواند محاسبات واشنگتن را تهاجمی‌تر کند و از سوی دیگر، تشدید متقابل بازدارندگی نیز خطر ورود طرفین به چرخه‌ای کنترل‌ناپذیر از تصاعد بحران را افزایش می‌دهد.

واکنش‌ها و فضا سازی رسانه‌های معاند و ضد انقلاب

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ القای قریب الوقوع بودن دور جدید حملات نظامی آمریکا علیه ایران با برجسته سازی اعزام ناوهای هواپیمابر به منطقه، اعزام ۹ هزار نیروی تازه و افزایش آرایش نظامی واشنگتن در منطقه
- ❖ برجسته سازی بن بست مذاکرات، تشدید تحریم‌ها و فشارهای دریایی، هوایی و زمینی در کنار تحرکات نظامی به عنوان نشانه عبور تدریجی واشنگتن از مسیر دیپلماسی به گزینه حمله
- ❖ مشابهت سازی نشست محرمانه کمپ دیوید با حضور مقامات آمریکایی حول موضوع ایران با برگزاری این نشست پیش از جنگ ۱۲ روزه به عنوان مؤیدی بر نزدیک بودن تصمیم آمریکا برای آغاز مرحله جدید جنگ
- ❖ تصویر سازی از تشدید بحران اقتصادی همچون افزایش قیمت دلار، طرح موضوع گوشت قسطنطنیه، پیش بینی دلار یک میلیونی و تورم هزار درصدی در سایه افزایش فشارهای خارجی و احتمال حمله آمریکا برای سرنگونی ج.ا.ا.
- ❖ القای ترس و هراس حکومت «از شکل گیری دور جدید اعتراضات در سایه احتمال وقوع مجدد جنگ
- ❖ ارزیابی درباره زمان و ابعاد حمله احتمالی آمریکا و اسرائیل به ایران با طرح دو سناریوی پیش از انتخابات اسرائیل (کمتر محتمل) و پس از انتخابات میان دوره ای آمریکا (احتمال بالا) «با تمرکز بر هدف قرار گرفتن مقامات ج.ا.ا. و زیر ساخت های برق و پتروشیمی
- ❖ طرح پرسش درباره هدف آمریکا از افزایش فشارها و تحریم های اقتصادی در چارچوب سرنگونی ویا امتیاز گیری از جمله در میز مذاکره
- ❖ دو گانه سازی پیرامون شرایط ج.ا.ا. با القای قرار گیری نظام در وضعیت تسلیم و ادامه بقای متزلزل یا ورود دوباره به جنگ و سرنگونی
- ❖ انگاره سازی از نقش سپاه در مجرای حمله به مدرسه میناب با اعتبار بخشی به ادعای سقوط بوستر یکی از موشک های سامانه پدافندی در دبیرستان دخترانه محدثه قشم در روز گذشته
- ❖ تصویر سازی از عملکرد سپاه و ج.ا.ا. در قبال مواردی چون هواپیمای اوکراینی و ادعای حمله به مدرسه میناب ذیل رویه والگوی تکرار شونده برای انکار یا توجیه اولیه حوادث و انتقال مسئولیت به دیگران با مستسک قرار دادن مجرای قشم
- ❖ روایت سازی از بازگشت گشت ارشاد و نیروهای حجاب بان به دانشگاه ها با طرح ادعاهایی درباره افزایش فشارها در حوزه پوشش دانشجویان همراه با توهین، تحقیر، تعرض کلامی و تهدید به احضار به کمیته های انضباطی
- ❖ تداوم انگاره سازی از تشدید فشار امنیتی علیه دانشجویان با وزن دهی به ادعای صدور حکم محرومیت از تحصیلی شماری از دانشجویان متخلف دانشگاه های فردوسی و خواجه نصیر همراه

❖ وزن دهی به تحصن محدود در دانشگاه خواجه نصیر در اعتراض به صدور احکام انضباطی علیه دانشجویان متخلف این دانشگاه

❖ وایرال ویدئوی احساسی اعلام خبر جان باختن یکی از قربانیان آشوب های دی ماه به برادرش با ایجاد عاطفی و برانگیختن احساس همدردی کاربران و بازتولید روایت «قربانی سازی خانوادگی»

رصد و تحلیل

فضا سازی در قبال قریب الوقوع بودن دور جدید حملات نظامی و جنگ علیه ج.ا.ا توسط ایران اینترنشنال

مرور و بررسی برنامه های تحلیلی و تولیدی شبکه تروریستی ایران اینترنشنال در ۴۸ ساعت گذشته نشان می دهد که این شبکه در حال تئوریزه و آماده کردن مخاطبان خود برای آغاز جنگ و درگیری های نظامی علیه ایران و القای قریب الوقوع بودن جنگ است. در این میان مجموع مجموعه تولیدات ایران اینترنشنال علی اغلب با تمرکز بر آرایش نظامی آمریکا در منطقه، بن بست مذاکراتی، تشدید فشار اقتصادی و ادعای ضعف داخلی ج.ا.ا و اظهارات مقامات آمریکایی و اسرائیل، تصویری از نزدیک بودن دور تازه جنگ و افزایش احتمال حمله نظامی ارائه می کند.

❖ برنامه «سیاست با مراد ویسی» نیز شب گذشته در این شبکه ضد انقلاب با عنوان «اقتصاد ایران در حال فروپاشی، آمریکا به سوی حمله» منتشر شد. مراد ویسی، مجری این برنامه ابتدا مانور گسترده ای بر شرایط اقتصادی داخل کشور از جمله افزایش قیمت دلار تا ۲۷ هزار تومان، قسطنی شدن گوشت و غیره داشت، گزاره های «تورهم هزار درصدی» و «دلاریک میلیون تومانی» را برای ماه های آینده مطرح کرد و از شرایط موجود با عنوان «هرج و مرج اقتصادی»، «خارج شدن کنترل اوضاع اقتصادی از دست دولت» و «فروپاشی اقتصادی» نام برد. ویسی در کنار آن با اشاره به افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه و اظهارات ترامپ و نتانیاهو، مدعی حرکت و اشنگتن به سمت «حمله نهایی» به ج.ا.ا شد.

❖ مهدی مهدوی آزاد برنامه «چشم انداز» را در این شبکه با عنوان «آیا آمریکا در صد حمله دوباره و سرنگونی حکومت ایران است؟» اجرا کرد و با اشاره به افزایش حجم گسترده فشارها و تحریم های اقتصادی آمریکا در حوزه دریایی، هوایی و زمینی، بیانیه ۵۰ کشور جهان به مناسبت سالگرد فعال سازی اسنپ بک و افزایش تحریکات نظامی آمریکا در منطقه با ارسال تجهیزات و ادوات مختللف از جمله حضور سه ناو هواپیمابر در منطقه، این پرسش را مطرح کرد که «آیا ترامپ با افزایش فشارهای اقتصادی دوباره به ایران حمله می کند یا از آن ها به عنوان ابزاری برای معامله و امتیازگیری از ج.ا.ا استفاده می کند؟»

❖ پوریازراعتی، کارمند ایران اینترنشنال در اراضی اشغالی نیز شامگاه جمعه در برنامه هفتگی خود یعنی «حرف آخر» با اشاره به مذاکرات صورت گرفته در نیویورک، تحولات در تنگه هرمز و تحولات در سرزمین های اشغالی، مدعی نزدیک شدن به دور تازه ای از حملات نظامی علیه ایران شد. زراعتی در

این برنامه با تاکید بر آنکه فضای حاکم بر کاخ سفید مبتنی بر امتیاز دادن به ایران نیست و تهران نیز در مقابل تهدیدات آمریکا کوتاه نخواهد آمد، دو سناریو در قبال وقوع جنگ مطرح می‌کند: اول سناریویی که به زعم نامحتمل است که طبق آن قبل از انتخابات در اراضی اشغالی (۲۷ اکتبر) ایران و اسرائیل جنگ را شروع خواهند کرد و دوم سناریوی محتمل تر از نگاه زراعتی که وقوع جنگ را پس از انتخابات میان دوره ای آمریکا و حد فاصل نوامبر تا ژانویه (آبان تا دی ماه) تخمین می‌زند که هدف‌های احتمالی آن لایه برداری بخش قابل توجهی از مقامات ج.ا.ا و حمله به زیرساخت‌های برق و پتروشیمی است.

❖ در برنامه «۲۴ با فرداد فرحزاد» دو خط جداگانه برجسته شده است؛ از یک سو به موضوع اعزام ۹ هزار نیروی نظامی و ارسال سومین ناو هواپیمابر (روزولت) به منطقه غرب آسیا در میانه تشدید تنش تنش میان ایران و آمریکا پرداخته شده و از سوی دیگر با اشاره به لزوم برخورد با اغتشاشگران توسط برخی ائمه جمعه، مقامات فراجا و غیره، خط «هراس ج.ا.ا» از خیزش اعتراضی مردم دنبال شده است.

❖ برنامه اول «تیتراول» در این شبکه با عنوان «از جلسه محرمانه کمپ دیوید تا اعزام ۱۰ هزار نیرو و یک ناو به منطقه؛ جنگ سوم؟» پخش شد و در آن با اشاره به اظهارات ضدایرانی نتانیا هو در باره لزوم سرنگونی ج.ا.ا، فضا سازی اسکات بسنت درباره فشارهای اقتصادی به ج.ا.ا و ارسال تجهیزات آمریکا به منطقه، این پرسش را مطرح کرده که آیا آمریکا برای جنگ جدیدی آماده می‌شود یا خیر؟ رضانجات بهرامی در این برنامه ادعا می‌کند که نشانه‌های حرکت به سمت یک درگیری گسترده، پررنگ تر از نشانه‌های ادامه مذاکرات است. و هدف ترامپ بانه سرنگونی ج.ا.ا بلکه تسلیم در برابر خواسته‌های آمریکا معرفی می‌کند.

❖ اردوان روزبه، خبرنگار ایران اینترنشنال در آمریکا در یک یادداشت تحلیلی با عنوان «نشست کمپ دیوید؛ آیا خبری در راه است؟» با بازخوانی نشست «کمپ دیوید» پیش از جنگ ۱۲ روزه، نشست اخیر حلقه اصلی امنیت ملی ترامپ در کمپ دیوید را در کنار اعزام ناو هواپیمابر تئودور روزولت، گروه آبی خاکی میکین آیلند و حدود ۹ هزار نیروی تازه آمریکایی، نشانه افزایش آمادگی واشنگتن برای مرحله ای تازه از درگیری معرفی کرد. وی همچنین حضور همزمان چند ناو گروه، بن بست مذاکرات و تقویت دفاع هوایی کشورهای خلیج فارس را برجسته کرد و در عین حال اذعان داشت این تحرکات به تنهایی اثبات کننده تصمیم به حمله نیست؛ بلکه می‌تواند اهرم فشار برای توافق یا مقدمه تشدید جنگ باشد.

طرح ادعای سقوط بوستریکی موشک‌های پدافندی سپاه در دبیرستان دخترانه «محدثه» قسم توسط کاربران ضدانقلاب با بازنمایی آن به عنوان موبیدی بر نقش سپاه در ماجرای مدرسه میناب

روز گذشته و در پی انتشار اخباری مبنی بر شلیک سامانه‌های پدافندی در تنگه هرمز، تصویری تأیید نشده از سقوط بوستریکی از موشک‌های پدافندی در داخل حیاط مدرسه‌ای در جزیره

قسم منتشر شد. بنابر بررسی ها کانال تلگرامی ضدانقلاب «وحید آنلاین» از جمله اولین رسانه هایی بود که ابتدا خبر و پس از آن تصویر مربوطه را منتشر و ادعا کرد یکی از بوسترهای موشک پدافندی در دبیرستان نمونه دولتی «محدثه» قسم سقوط کرده است. به موازات آن، این ادعا در تایم لاین جریان ضدانقلاب و معاند در شبکه های اجتماعی نیز باز نشر و بازتاب پیدا کرد و جریان ضدانقلاب سعی داشت آن را مویدی بر خط رسانه ای و عملیات روانی «مقصرنمایی از سپاه در ماجرای مدرسه میناب» صورت بندی کند. علاوه بر آن برخی کاربران ضدانقلاب با ادبیاتی توهین آمیز، کاربران حامی ج.ا.ا. و واکنش های آنان به حادثه میناب را هدف قرار داده و ماجرای قسم را دستمایه تمسخر مواضع پیشین آنان قرار دادند.

این در شرایطی است که رصدها نشان می دهد که ادعای مذکور توسط برخی کاربران لاتین و انگلیسی زبان غیر ایرانی در شبکه های اجتماعی (علی الخصوص برخی کاربران صهیونیست) تکرار شده و ماجرای قسم در کنار حمله به مدرسه میناب و ماجرای هواپیمایی اوکراین قرار گرفت. این کاربران با کنار هم قرار دادن این موارد مدعی شدند مواجهه ج.ا.ا. با حوادثی از این جنس نه مجموعه ای از خطاهای مجزا، بلکه یک «رویه» و «الگوی تکرار شونده» است؛ روایتی که در آن، ج.ا.ا. به قرار دادن غیر نظامیان در معرض خطر، انکار یا توجیه اولیه حوادث و سپس انتقال مسئولیت به دیگران متهم می شود. برخی کاربران نیز با تعمیم این ادعا به سابقه ۴۷ ساله ج.ا.ا.، از آن برای تصویر سازی منفی از کلیت ساختار حاکمیت و طرح گزاره های براندازانه استفاده کردند.

انگاره سازی از افزایش برخورد در حوزه پوشش و تشدید فشار امنیتی علیه دانشجویان با صدور احکام انضباطی

بنابر رصدهای صورت گرفته مسئله فضا سازی پیرامون وضعیت دانشگاه ها همزمان با آغاز سال تحصیلی در دو موضوع صدور احکام انضباطی علیه دانشجویان متخلف و اعمال محدودیت ها و مقررات در حوزه حجاب و پوشش دانشجویان توسط رسانه های ضدانقلاب در حال پیگیری است. در این میان محور پیشبرد این خط عملیات روانی برخی رسانه های ضدانقلاب حوزه دانشجویی از جمله «خبرنامه امیرکبیر» بوده و به دنبال انگاره سازی از «افزایش برخورد در حوزه پوشش و تشدید فشار امنیتی علیه دانشجویان با احکام انضباطی» هستند.

لقای تشدید برخورد در حوزه حجاب در دانشگاه ها

از ابتدای این هفته برخی رسانه های ضدانقلاب همچون ایران و ایر، خبرنامه امیرکبیر و دانشجویان متحد مدعی تشدید فشار و برخورد حراست دانشگاه های شیراز و تهران با شیوه پوشش و حجاب دانشجویان شدند و از گزاره هایی چون «حضور و گشت موتوری حجاب بان هادر دانشگاه» و «بازگشت گشت ارشاد به دانشگاه ها» استفاده کردند. طبق ادعاهای منتشر شده، استقرار ماموران

حراست در مقابل ورودی‌های دانشگاه فراتر از مداخلات و محدودیت‌های سال‌های گذشته و همراه با توهین، تحقیر، تعرض کلامی و تهدید به احضار به کمیته‌های انضباطی بوده و در پاره‌ای موارد اجازه ورود دانشجویان به دانشگاه‌ها را نداده و فراتر از اصل داشتن «حجاب»، مواردی نظیر «کوتاهی لباس» و یا «بدن نمودن» آن‌ها را بررسی می‌کردند. کانال اعتراض مدنی بازار با برجسته‌سازی وضعیت اقتصادی کشور، حاکمیت را متهم به عدم شناخت اولویت‌های کشور با اعمال محدودیت‌های پوشش در دانشگاه‌ها کرده است.

برجسته تحسن محدود در دانشگاه خواجه نصیر در اعتراض به احکام انضباطی

«خبرنامه امیرکبیر» ساعتی قبل خبر از آغاز تحسن جمعی از دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر تهران در اعتراض به احکام انضباطی صادر شده علیه دانشجویان توسط کمیته‌های انضباطی این دانشگاه و وزارت علوم داده و مطالبه آن‌ها را توقف آنچه «روند فشارهای امنیتی و انضباطی بر فضای دانشگاه» خوانده، اعلام کرده است. طبق ادعای این رسانه معاند، در روزهای اخیر احکام انضباطی متعددی با محوریت محرومیت از تحصیل برای شماری از دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر صادر شده و احکام مذکور را در چارچوب «تشدید فشارهای حکومتی علیه دانشجویان» بازنمایی کرده است. همچنین دیگر ادعای خبرنامه امیرکبیر مبنی بر صدور احکام انضباطی علیه ۱۰ دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (یک اخراج و ۱۶ نیمسال محرومیت از تحصیل) در رسانه‌های ضدانقلاب ضریب گرفته است.

وایرال ویدئوی احساسی اعلام خبر جان باختن یکی از قربانیان آشوب‌های دی ماه به برادرش با ایجاد بار عاطفی و برانگیختن احساس همدردی کاربران و بازتولید روایت «قربانی‌سازی خانوادگی»

رصد‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد که در ۴۸ ساعت گذشته ویدئویی از اعلام خبر جان باختن محسن عباسی، از قربانیان آشوب‌های دی ماه به برادرش به صورت گسترده‌ای در رسانه‌های ضدانقلاب و معاند و تایم لاین این جریان در شبکه‌های اجتماعی در حال باز نشر و وایرال است. این ویدئوی احساسی که توسط خانواده محسن عباسی منتشر شده، در آن اشاره شده که او و برادرش همراه با یکدیگر در وقایع ۱۸ دی نجف آباد اصفهان حضور داشتند و مورد اصابت گلوله قرار گرفتند به طوری که محسن عباسی کشته و برادرش مجروح می‌شود اما خبر جان باختن با تأخیر به برادرش گفته می‌شود. رسانه‌ها و کاربران ضدانقلاب با وایرال این ویدئوی احساسی خطوط رسانه‌ای زیر را دنبال کردند:

۱. برجسته‌سازی عبارت «هیچ دردی بدتر از جگر درد نیست» در پیام پدر محسن عباسی با تمرکز بر ایجاد بار عاطفی و برانگیختن احساس همدردی کاربران

۲. تصویرسازی از «رنج مضاعف یک خانواده» با تمرکز بر تأخیر در اعلام خبر جان باختن محسن عباسی

به برادرش، لحظه اعلام این خطر و مجروحیت شدید برادرش بر اثر اصابت گلوله به سرواز دست دادن توان حرکتی یک سمت بدن

۳. مقصرنمایی از ج.ا.ا. در کشته شدن محسن عباسی و معلولیت برادرش با باز نشر تعبیری همچون «محسن راز ما گرفتند»

۴. بازنمایی زندگی دو برادر به عنوان نمونه ای از «نسل جوان گرفتار فشار اقتصادی و اعتراض» با برجسته سازی مهاجرت از روستا، راه اندازی کافه در نجف آباد، تعطیلی آن به دلیل مشکلات اقتصادی و حضور مشترک آنان در وقایع ۱۸ دی

۵. قهرمان سازی از محسن عباسی و برادر مجروحش با تمرکز بر روایت نزدیک به ۲۰ سال زندگی و رفاقت مشترک، همراهی دو برادر در شرایط دشوار و تأکید بر گزاره «ادامه دادن برای زندگی محسن»

۶. بهره برداری از رنج عاطفی خانواده برای تشدید ادبیات ضد ج.ا.ا. و تحریک احساس خشم مخاطبان و طرح تعبیر تند علیه حاکمیت و سپاه

بررسی و ارزیابی روندهای اقتصادی و معیشتی

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ بازتاب جهش قیمت پترو ۲۰۷ اتوماتیک با افزایش ۴۰۰ میلیون تومانی به ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و سایناس با افزایش ۱۰۰ میلیون تومانی در تجارت نیوز
- ❖ برجسته سازی جهش ۵۰۰ میلیون تومانی ری را و رسیدن قیمت آن به ۴ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در رجانیوز و چندثانیه
- ❖ بازنمایی «گرانی بی مشتری» در کسب و کار نیوز با تمایزگذاری میان قیمت پیشنهادی و معامله واقعی و اشاره به گران شدن برخی مدل های اقتصادی تا ۲۵ میلیون تومان در یک روز
- ❖ برجسته سازی فاصله قیمت کارخانه و بازار به عنوان زمینه ساز واسطه گری در ایران جیب به نقل از عبدالله بابایی و تشکیک در تضمین کننده بودن سود خرید سرمایه ای
- ❖ استناد دنیای اقتصاد به کدال برای نمایش افت ۳۱ درصدی تولید سواری ایران خودرو، سایپا و پارس خودرو در نیمه نخست سال و افت به ترتیب ۲۲،۶، ۴۲،۵ و ۶۰،۴ درصدی
- ❖ تشکیک دنیای اقتصاد در پایداری جهش ۷۴،۶ درصدی تولید شهریور با تعبیر بازگشت از سطح پایین مرداد و نه افزایش پایدار ظرفیت
- ❖ برجسته سازی افزایش هزینه حمل کانتینر از حدود ۲ هزار به ۲۲ هزار دلار در اقتصاد ۲۴ به نقل از حسین مقیسه به عنوان مجرای فشار تحریم
- ❖ انعکاس هشدار انجمن قطعه سازان درباره هزینه مسیرهای جایگزین در دیده بان ایران
- ❖ تشکیک جهان صنعت در شدت آثار تحریم جدید با نقل قول جواد فلاحیان درباره ظرفیت سازگاری داخلی و نبود انتظار اثر بسیار شدید
- ❖ بازتاب انتقاد رئیس سازمان ملی استاندارد از عدم تناسب کیفیت و قیمت در تسنیم و تجارت نیوز و تعهد ایران خودرو به پاسخگویی به مشتری در شرق و اقتصاد آنلاین
- ❖ بازتاب ادعای اریسن براون در فاکس بیزنس درباره پیروزی آمریکا در انزوای اقتصادی ایران با تعبیر «ایران می داند آمریکا در حال پیروزی است»
- ❖ برجسته سازی گذار ادعایی از «فشار حداکثری» به «انزوای کامل» در اظهارات براون و معرفی فشار مالی، محدود سازی تدارکات نظامی و هدف گیری ساختار صنعتی و لجستیکی به عنوان سه مسیر هم زمان
- ❖ پیوند تحریم به عملیات نظامی و محاصره در مصاحبه اکسیوس با اسکات بسنت با طرح «دیوار آهنین» و «طرده اقتصادی» و ادعای انزوای اقتصادی بی سابقه
- ❖ بازتاب ادعای فاکس بیزنس به نقل از بسنت درباره بازگیری نکردن «هیچ نفت خامی» توسط ایران در سپتامبر

- ❖ برجسته سازی پیش بینی بسنت در اکسیوس درباره نبود «هیچ نفتی روی آب» و «هیچ درآمدی» برای ایران
- ❖ تشکیک در تبدیل سه ادعای متفاوت توقف بارگیری، نبود محموله روی آب و قطع درآمد به یک نتیجه قطعی و تأکید بر نیاز هریک به اثبات جداگانه
- ❖ طرح چالش مجری اکسیوس درباره فشار هزینه زندگی و گرانی بنزین و پیوند پاسخ بسنت به وعده افزایش عرضه نفت و فروکش کردن شوک انرژی پس از عبور از منازعه
- ❖ بازتاب تهدید قطع دسترسی واسطه ها به نظام مالی آمریکا و مهلت دادن به کشورها برای توقف فعالیت های مرتبط با ایران در گزارش فاکس بیزنس
- ❖ بازتاب نرخ ۲۶۸ هزار و ۸۰۰ تا ۲۶۹ هزار و ۵۰۰ تومانی دلار در رویترز با استناد به دووب سایت رصد بازار و اعلام برنامه عرضه تا سقف دو میلیارد دلار برای حمایت از پول ملی
- ❖ برجسته سازی ناکارآمدی مداخله ارزی دو میلیارد دلاری در اینوستینگ باتیتر «افت دوباره ریال با نتوانی مداخله ارزی دو میلیارد دلاری در مهار کاهش ارزش»
- ❖ نقل توضیح مهدی دارابی، مشاور ارزی رئیس کل بانک مرکزی، در رویترز درباره القای فروپاشی اقتصادی و استفاده دشمن از فضا سازی برای اثرگذاری بر نرخ ارز
- ❖ انتقال بحث از نرخ ارز به معیشت روزمره در خبرگزاری آلمان با اشاره به کاهش متوسط دستمزد ماهانه از حدود ۱۲۰ به ۷۰ یورو و گرانی نان و برنج و دشوار شدن خرید گوشت
- ❖ پیوند افت ریال به محدودیت صادرات نفت و دشواری دسترسی به وجوه خارجی در فورچون با نقل قول از مسعود پزشکیان درباره عدم امکان خروج پول از کشور خریدار
- ❖ طرح دو پیامد متضاد فشار در بلومبرگ از زبان بدر السیف: «امتیازدهی یا حمله پیش دستانه»
- ❖ اشاره سی ان ان به هزینه سنگین تداوم عملیات آمریکا و افت ذخایر جهانی نفت در کنار کاهش اهرم ایران در هرمز
- ❖ بازتاب محدودیت حساب های ریالی و درگاه های صرافی ها و خطر مسدود سازی تتر در کریپتو بریفینگ و توصیف کاربران تحت فشار هم زمان محدودیت داخلی و خارجی
- ❖ سیاسی سازی مشکلات داخلی در رسانه وابسته به شورای ملی مقاومت با تجمیع اخبار ارز، دارو و کاهش تحویل گاز و نتیجه گیری آسیب پذیری سیاسی و افزایش احتمال سقوط نظام
- ❖ بازنمایی معامله نفتی لوک اویل در نیویورک تایمز، دلی بیست، نیوز و هیل به عنوان گره خوردن مذاکرات صلح اوکراین به یک معامله چند میلیارد دلاری
- ❖ بازتاب پیشنهاد ولادیمیر پوتین در دیدار ۵ سپتامبر با استیو ویتکاف و جرد کوشنر برای فروش دارایی های جهانی لوک اویل با هدف نمایش امکان تجارت با آمریکا و کاهش قیمت های جهانی انرژی
- ❖ برجسته سازی ارزش ۲۰ میلیارد دلاری دارایی های بین المللی لوک اویل و اشاره به پالایشگاه های اروپا،

میادین نفتی کامرون و پمپ بنزین های نیوجرسی

❖ تأکید بر نیاز معامله به تأیید کاخ سفید و کرمین و لزوم مجوز رسمی وزارت خزانه داری آمریکا به دلیل تحریم ها

❖ پیوند جنگ ایران و کمبود جهانی سوخت جت و دیزل به انگیزه اقتصادی فوری واشنگتن برای تسریع دسترسی به این منابع

❖ معرفی ذی نفعان معامله لوک اوایل با اشاره به نام های تاد بولی، برادران الخياط، شیخ طحنون و سازمان توسعه مالی بین المللی آمریکا (DFC)

❖ بازتاب هشدار هوی چن درباره درهم تنیدگی منافع و پیرشش از امکان ارزیابی بی طرفانه پیشنهادهای رقیب

❖ دفاع کرمین از کوشنر با تعبیر «صلح ساز» از زبان کریل دیمیتریف و تأکید ویتکاف و کوشنر بر نبود نفع مالی شخصی و کار بدون حقوق دولتی

❖ اشاره به توقف پیشنهاد رقیب کارلایل به دلیل تأخیر در تأیید وزارت خزانه داری و بازنمایی تغییر پارادایم از «فشار حداکثری» به «تجارت حداکثری»

❖ بازتاب جهش نرخ دلار آزاد از ۲۵۵ به ۲۷۰ هزار تومان، عبور یورو از ۳۰۶ هزار تومان و رسیدن سکه امامی به ۲۷۴ میلیون تومان

❖ برجسته سازی عرضه ۱۰ هزار دلار با کارت ملی از پنج بانک ملت، تجارت، ملی، صادرات و سامان با نرخ ۲۵۷ تا ۲۵۹ هزار تومان

❖ تأکید بر فاصله حدود ۱۳ هزار تومانی نرخ عرضه با بازار آزاد و ارزیابی کارشناسان از ایجاد کف قیمتی توسط نرخ ۲۵۹ هزار تومانی به جای مهار بازار

❖ بازتاب ممنوعیت تأمین مالی بانکی برای خریدارز، طلاورمزارز به عنوان سیاست مکمل محدودکننده تقاضا

❖ برجسته سازی توقف نمایش نمودار قیمت تتر در صرافی ها و برنامه مسدودسازی حساب ها و درگاه های ریالی برخی صرافی های رمزارزی

❖ نقل تعبیر فارس از «سفارش گذاری مصنوعی در بازار تتر» به عنوان دلیل اعمال محدودیت ها

❖ نقل واکنش محمد باقر قالیباف درباره تعجب از عرضه ارز ۱۰ هزار دلاری و پیگیری شخصی

❖ بازتاب تعبیر مهدی کوچک زاده از عرضه ارز به عنوان «رانت» و سود آن برای دلالت

❖ برجسته سازی توصیف افزایش کنونی به عنوان «گذرا» از سوی دستیار ارزی رئیس کل بانک مرکزی و عبور دلار از ۲۷۰ هزار تومان در همان روز

❖ بازتاب هشدار رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق درباره احتمال خاموشی در نیروگاه هابه علت کمبود سوخت و تشدید ناترازی در جنگ

❖ برجسته سازی اعلام کاهش ۱۴ درصدی تحویل گاز به شبکه سراسری از سوی مدیرعامل شرکت ملی گاز

❖ پیوند ناترازی انرژی به دوری به دوری: افت تولید گاز در پارس جنوبی در جنگ و رشد بی وقفه مصرف داخلی به دلیل قیمت های یارانه ای و نبود بهره وری

❖ اشاره به کسری روزانه ۴۰۰ میلیون مترمکعبی گاز در اوج مصرف پیش از جنگ و تشدید آن با افت تولید

❖ بازنمایی تناقض میان وعده عادی شدن شرایط پس از تابستان و طرح خاموشی های زمستانی

❖ برجسته سازی شکاف قیمت برق صنایع در بورس انرژی تا ۱۶ هزار تومان به ازای هر کیلووات ساعت در برابر برق خانگی ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان و از بین رفتن انگیزه سرمایه گذاری در بهره وری

❖ تأکید بر پیامدهای صنعتی قطع برق برای فولاد، سیمان و پتروشیمی و خطر افزایش بیکاری و کاهش صادرات غیرنفتی

❖ برآورد نیاز به سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری سالانه و اصلاح نظام قیمت گذاری انرژی برای جلوگیری از تبدیل ناترازی به بحران مزمن

❖ بازتاب افت ۲۴ هزار و ۷۸۹ واحدی شاخص کل بورس در ۱۲ مهر معادل ۰.۳۲ درصد و رسیدن به سطح ۷ میلیون و ۷۸۳ هزار واحد

❖ برجسته سازی خروج بیش از ۸۱۸ میلیارد تومان پول حقیقی، ارزش ۵۱.۲ همتی معاملات خرد و منفی بودن ۶۴ درصد نمادها

❖ پیوند بسته بودن نمادهای پالایشی شبندر، شتران، شپنا، شبریز و شراب به ابهام در نرخ خوراک به عنوان مهم ترین عامل بلامتکلیفی بازار

❖ بازتاب بی نتیجه ماندن جلسه معاون اول رئیس جمهور درباره تخفیف ۵ درصدی خوراک پالایشگاه ها و ادامه اختلاف وزارت نفت و وزارت اقتصاد

❖ نقل انتقاد پرویز خالقی از مداخلات دولت در نرخ خوراک با تعبیر «آزموده را آزمودن خطاست» و اشاره به بهر که رفتن بورس از سال ۱۳۹۲ تا کنون

❖ برجسته سازی جهش دلار به بالای ۲۷۰ هزار تومان و فشار بر ارزش دلاری بازار سهام و مرز حساس ۱۰۰ میلیارد دلار

❖ نقل تحلیل پویان مظفری درباره وابستگی حال بازار سرمایه به انتظارات تورمی و مختل شدن مکانیزم انتقال تورم به سود شرکت ها با ابهام نرخ خوراک

❖ بازتاب خروج ۷۰۵ میلیارد تومانی صندوق های درآمد ثابت و ترس سهامداران از دست دادن بازدهی کسب شده

❖ بازتاب کاهش فایل اجاره در دو هفته اخیر در مناطق ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۶ و ۱۸ تهران در بررسی میدانی رسانه های اقتصادی

- ❖ برجسته سازی افزایش تمدید قراردادها و خودداری بخشی از مالکان از عرضه واحدهای خالی
- ❖ اعلام تورم نقطه به نقطه اجاره ۳۲.۸ درصد در شهریور و بازنمایی قفل سه گانه بازار اجاره: انتظارات تورمی، کاهش قدرت خرید مستأجران و ناکارآمدی طرح های دولتی
- ❖ برجسته سازی تناقض آماری پایین تر بودن تورم اجاره از تورم عمومی همان ماه و تفاوت معنای آن برای مالک و مستأجر
- ❖ تأکید بر کاهش انگیزه عرضه به دلیل پایین بودن جذابیت بازده اجاره در مقایسه با انتظارات تورمی
- ❖ بازتاب ناکارآمدی طرح مسکن استیجاری با تعیین اجاره بها بر اساس ۳۵ تا ۵۵ درصد نرخ کارشناسی روز و ناتوانی در متعادل کردن بازار
- ❖ نقد طرح TOD به دلیل تمرکز بر تراکم فروشی و نادیده گرفتن ناترازی آب و برق و احتمال تشدید بحران
- ❖ برآورد قفل شدگی بازار اجاره به عنوان نشانه تعمیق بحران مسکن و ادامه آن تا زمان تداوم انتظارات تورمی و نااطمینانی ارزی
- ❖ بازتاب تجمعات اعتراضی بازنشستگان در اصفهان مقابل استانداری، اهواز مقابل تأمین اجتماعی خوزستان، شوش و کرمانشاه در رسانه های معاند
- ❖ برجسته سازی شعارهای «دشمن ما همین جاست، دروغ می گن آمریکاست» و «نه جنگ می خواهیم، نه کشتار؛ رفاه می خواهیم ماندگار»
- ❖ موج سازی خبری پیرامون استعفای پرستاران و نقل قول از مدیرعامل خانه پرستار درباره ترجیح ماندن در خانه با حقوق ۲۵ میلیون تومان
- ❖ بازنمایی صندوق های بازنشستگی در تله جمعیتی - اقتصادی با اشاره به کاهش ازدواج از ۹۰۰ هزار مورد در ۱۳۸۹ به ۴۳۱ هزار مورد در ۱۴۰۴
- ❖ برجسته سازی تورم ۸۳.۸ درصدی و فرسایش مستمری های ثابت
- ❖ هشدار رئیس سازمان ملی جوانی جمعیت درباره کاهش جمعیت کشور تا سال ۱۴۸۰ به مرز ۳ میلیون نفر
- ❖ بازتاب هشدار روزنامه جوان درباره انحراف تجمعات شبانه با موضوع زندانی شدن رسایی و تأکید بر تفاوت مسئله اصلی کشور
- ❖ تأکید رسانه های انقلابی بر ضرورت حمایت از دولت و پرهیز از دام های سیاسی
- ❖ برآورد اعتراضات صنفی به عنوان نشانه فرسایش سرمایه اجتماعی و ناتوانی ساختاری دولت در تأمین رفاه و احتمال گسترش به بحران سیاسی - اجتماعی فراگیر

رصد و تحلیل

بازنمایی تشدید رکود تورمی بازار خودرو با جهش قیمت ها و افت تولید هم زمان با تحریم خودرو سازان بزرگ ایران از سوی آمریکا

رصد گزارش های رسانه های اقتصادی و جدول های قیمتی ۱۱ و ۱۲ مهر نشان می دهد افزایش قیمت خودرو با ضعف معاملات و نگرانی از تداوم عرضه همراه شده است. «تجارت نیوز» و «رجانیوز» جهش قیمت ها، «اکوایران» و «ایران جیب» کاهش قدرت خرید و «دنای اقتصاد» و «اقتصاد ۲۴» افت تولید و دشواری تأمین قطعات را دنبال کرده اند. محور مشترک این پوشش، فاصله گرفتن خودرو از دسترس مصرف کننده تحت فشار هم زمان هزینه تولید، انتظارات تورمی و محدودیت عرضه است. در این میان، شماری از کارشناسان تحریم های آمریکا را عامل تشدید فشار بر صنعت و بازار خودرو معرفی می کنند، هرچند درباره شدت آثار محدودیت های جدید و ظرفیت سازگاری خودروسازان اتفاق نظر ندارند.

جهش قیمت ها و فشار بر خریداران خودروهای اقتصادی

❶ «تجارت نیوز» در گزارش ۱۲ مهر، قیمت پژو ۲۰۷ اتوماتیک را با افزایش ۴۰۰ میلیون تومانی، ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و سایناس را با افزایش ۱۰۰ میلیون تومانی، یک میلیارد و ۵۶۰ میلیون تومان اعلام کرده است. فیدلیتی الیت هفت نفره نیز با افزایش یک میلیارد تومانی به ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسیده است. «رجانیوز» و «چندثانیه» نیز جهش ۵۰۰ میلیون تومانی ری را و رسیدن قیمت آن به ۴ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان را با زتاب داده اند. تجارت نیوز درباره گسترش گرانی به مدل های اقتصادی نوشته است: «برخی مدل های اقتصادی در یک روز تا ۲۵۰ میلیون تومان گران شده اند.»

گرانی بی مشتری و تقویت نگاه سرمایه ای

❷ «اکوایران» در گزارش «نقل قول های ترسناک از بازار خودرو؛ فعالان چه می گویند؟» نشان می دهد در فاصله ۵ تا ۱۱ مهر، افزایش قیمت بسیاری از خودروها از رشد نرخ ارز کمتر بوده است. «کسب و کار نیوز» این وضعیت را «گرانی بی مشتری» توصیف می کند و «ایران جیب» نیز میان قیمت پیشنهادی و معامله واقعی تمایز می گذارد. اکوایران می نویسد: «فروشنده می داند هزینه جایگزینی خودرو با رشد ارز بالا رفته و حاضر نیست به سادگی قیمت را پایین بیاورد، اما خریدار نیز توان یا تمایل پرداخت قیمت های جدید را ندارد.» عبدالله بابایی، کارشناس صنعت خودرو، در گزارش ایران جیب، فاصله کارخانه و بازار را زمینه ساز واسطه گری می داند، اما تأکید دارد افزایش فعلی قیمت ها تضمین کننده سود خرید سرمایه ای نیست.

افت تولید پشت رشد مقطعی شهرپور

❖ «دنیای اقتصاد» در گزارش «سقف تیراژ خودرو در ۱۴۰۵»، با استناد به کدال، تولید سواری ایران خودرو، سایپا و پارس خودرو در نیمه نخست سال راه ۲۸ هزار و ۲۷۷ دستگاه، حدود ۳۱ درصد کمتر از دوره مشابه سال قبل اعلام کرده است. افت تولید این شرکت ها به ترتیب ۲۲،۶، ۴۲،۵ و ۶۰،۴ درصد بوده، در حالی که تولید شهرپور نسبت به مرداد ۷۴،۶ درصد افزایش یافته است. این روزنامه تصریح می کند: «بخشی از جهش شهرپور ماهی رامی توان ناشی از بازگشت تولید از سطح پایین مرداد دانست و نه لزوماً افزایش پایدار ظرفیت تولید.» ارزیابی روزنامه درباره دشواری عبور تیراژ این سه شرکت از ۵۰ هزار دستگاه تا پایان سال نیز به تشدید محدودیت های تأمین و حمل و نقل مشروط است.

فشار بر تأمین قطعه و اختلاف درباره شدت آثار تحریم

❖ «اقتصاد ۲۴» در گفت و گو با حسین مقیسه، افزایش هزینه حمل و محدودیت مسیرهای جایگزین راز مجاری فشار تحریم معرفی می کند. او گفته است: «پیش از جنگ، هزینه حمل یک کانتینر حدود دو هزار تا دو هزار و ۳۰۰ دلار بود، اما اکنون این هزینه به حدود ۲۲ هزار دلار رسیده است.» «دیده بان ایران» نیز هشدار انجمن قطعه سازان درباره هزینه مسیرهای جایگزین را منعکس کرده است. در مقابل، جواد فلاحیان در یادداشت باز نشر شده در «جهان صنعت»، با تأکید بر تجربه سازگاری و ظرفیت داخلی می گوید: «انتظار نمی رود اثر تحریم جدید بر شرکت های خودروسازی بسیار شدید باشد.» روند معاملاتی نیز رشد برخی نمادهای خودرویی و افت برخی دیگر را نشان می دهد؛ با این حال، واکنش مقطعی سهام، معیار کافی برای سنجش آثار تحریم بر تولید نیست.

شکاف قیمت و کیفیت و مسئله اعتماد

❖ در سوی دیگر، «تسنیم» و «تجارت نیوز» انتقاد رئیس سازمان ملی استاندارد از عدم تناسب کیفیت و قیمت را منتشر کرده اند. هم زمان، «شرق» و «اقتصاد آنلاین» تعهد مدیریت ایران خودرو به پاسخگویی به مشتری را بازتاب داده اند. حمید کشاورز، نماینده سهامداران اکثریت شرکت، گفته است: «همه ما به مصرف کنندگان ایران خودرو بد هکاریم، چون باید محصولی با کیفیتی که شایسته مشتری است، ارائه دهیم.» این موضع، تلاشی برای بازسازی اعتماد مصرف کننده است؛ اما اثر پایدار آن به بهبود محسوس کیفیت و کاهش هزینه نگهداری وابسته خواهد بود.

آینده بازار خودرو

برآیند این گزارش ها، احتمال تداوم رکود تورمی در کوتاه مدت را تقویت می کند؛ زیرا تحریم های جدید بر صنعتی فشار می آورند که پیش تر با افت تولید و ضعف تقاضا مواجه بوده است. اگر محدودیت

همکاری تأمین کنندگان خارجی و دشواری حمل قطعات تشدید شود، افزایش هزینه و تأخیر تولید می تواند قیمت های پیشنهادی را بالاتر ببرد، بی آنکه معاملات رونق بگیرد. در چنین وضعیتی، تحریم بیشتر از مسیر محدود کردن عرضه و افزایش هزینه ها عمل می کند و کاهش قدرت خرید نیز بازار را در رکود نگه می دارد. شدت این روند به توان خودروسازان در حفظ مسیرهای تأمین و ثبات ارز وابسته است؛ بهبود این دو عامل می تواند فشار قیمت را کاهش دهد، اما تا زمانی که فاصله درآمد خانوار و بهای خودرو ترمیم نشود، بازگشت تقاضای مصرفی محدود خواهد ماند.

القای پیروزی آمریکا در جنگ اقتصادی علیه ایران با طرح ادعای انزوای کامل مالی و قطع درآمدهای نفتی در فاکس بیزنس و اکسیوس

بررسی گزارش «فاکس بیزنس» و مصاحبه «اکسیوس» با مقام های خزانه داری آمریکا نشان می دهد معرفی فشار اقتصادی به عنوان مرحله تکمیل کننده عملیات نظامی و محاصره، محور مشترک روایت آن ها درباره ایران است. ارین براون، معاون امور بین الملل وزارت خزانه داری آمریکا، کاهش ارزش ریال و محدود سازی ارتباطات مالی و صنعتی را نشانه موفقیت و اشنگتن معرفی می کند؛ اسکات بسنت، وزیر خزانه داری، نیز با ترسیم توالی حملات، محاصره و عملیات «طرد اقتصادی»، مدعی قطع منابع درآمدی ایران می شود. این پوشش رسانه ای در تلاش است، میان آسیب اقتصادی و پیروزی راهبردی آمریکا پیوند برقرار کند، بی آنکه، شواهد مستقلى از تحقق «انزوای کامل» یا تغییر محاسبات تهران ارائه شود.

فاکس بیزنس و معرفی افت ریال به عنوان نشانه پیروزی

❖ «فاکس بیزنس» در گزارش «ایران می داند آمریکا در حال پیروزی است»، اظهارات براون را مبنای ارزیابی کارزار تحریم قرار داده است. او با اشاره به افت ارزش ریال مدعی می شود: «فکر می کنم ایرانی ها می دانند که آمریکا در زمینه انزوای اقتصادی و عملیات طرد اقتصادی علیه ایران در حال پیروزی است.» براون این کارزار را طی ماه گذشته «موفقیتی کامل» می خواند و تأکید می کند و اشنگتن تا زمانی که منازعه ادامه داشته باشد، برای منزوی کردن ایران از نظام مالی جهانی «بی وقفه» عمل خواهد کرد. در این چارچوب، نوسان پول ملی از یک شاخص اقتصادی به شاهی برای اثبات برتری آمریکا در منازعه تبدیل می شود.

گذار ادعایی از فشار حداکثری به انزوای کامل

❖ براون در توضیح دامنه اقدامات آمریکای می گوید: «از فشار حداکثری به انزوای کامل حرکت کرده ایم.» او فشار مالی، محدود سازی تدارکات نظامی و هدف گرفتن ساختار صنعتی و لجستیکی را سه مسیر

هم‌زمان معرفی می‌کند. گزارش فاکس بیزنس، تحریم شبکه مالی «ای ۷» با ارتباطات روسی، شرکت‌های هواپیمایی و مجموعه‌های ریلی و خودروسازی را در همین چارچوب قرار می‌دهد. همچنین، بیانیه خزانه داری نقل شده در گزارش تصریح دارد کشورها برای متوقف کردن فعالیت‌های شناسایی شده مرتبط با ایران، مهلت مشخص دریافت می‌کنند و در صورت اقدام نکردن، واشنگتن وارد عمل می‌شود. تهدید قطع دسترسی واسطه‌ها به نظام مالی آمریکا، بخش اصلی فشار بر طرف‌های ثالث در این روایت است.

اکسیوس و ترسیم تحریم به عنوان ادامه عملیات نظامی

❖ در سویی دیگر بسنت در مصاحبه «اکسیوس» از «توالی بسیار قوی» اقدامات آمریکاسخن می‌گوید و مدعی می‌شود عملیات نظامی، توان دریایی و هوایی ایران را منهدم و ظرفیت موشکی، پهپادی و بازسازی آن را تضعیف کرده است. او سپس محاصره موسوم به «دیوار آهنین» و عملیات «طرد اقتصادی» را مراحل بعدی معرفی می‌کند: «اکنون عملیات طرد اقتصادی را داریم و آن‌ها را به شکلی که هرگز سابقه نداشته، از نظر اقتصادی منزوی می‌کنیم». اهمیت این بخش، ارائه تصویری از پیوستگی ابزارهای نظامی و اقتصادی است؛ به گونه‌ای که تحریم، در روایت وزیر خزانه داری، بخشی از روند جنگ و تثبیت نتایج ادعایی آن محسوب می‌شود.

ادعای قطع درآمد نفتی و تفاوت گزاره‌های مطرح شده

❖ فاکس بیزنس به نقل از بسنت گزارش می‌دهد که ایران در سپتامبر «هیچ نفت خامی» روی نفتکش‌ها بارگیری نکرده است. بسنت در مصاحبه اکسیوس نیز پیش‌بینی می‌کند ایران در هفته مورد اشاره، برای نخستین بار از آغاز استخراج نفت، «هیچ نفتی روی آب» نخواهد داشت و می‌گوید: «آن‌ها هیچ درآمدی نخواهند داشت». با این حال، توقف بارگیری، نبود محموله روی آب و قطع درآمد، سه ادعای متفاوت‌اند که اثبات یکی، لزوماً دیگری را تأیید نمی‌کند.

پاسخ به هزینه‌های داخلی جنگ با وعده کاهش قیمت انرژی

❖ مصاحبه اکسیوس صرفاً بازتاب ادعای موفقیت خارجی نیست؛ مجری با اشاره به فشار هزینه زندگی و گرانی بنزین، پیامدهای جنگ برای شهروندان آمریکایی را نیز به چالش می‌کشد. بسنت در پاسخ، منازعه با ایران را عامل پوشانده شدن دستاوردهای اقتصادی دولت معرفی می‌کند و وعده می‌دهد پس از عبور از آن، عرضه نفت افزایش یابد و شوک انرژی فروکش کند. در نتیجه، روایت پیروزی اقتصادی علیه ایران با وعده بهبود معیشت در آمریکا پیوند می‌خورد؛ وعده‌ای که تحقق آن به سرانجام منازعه وابسته معرفی می‌شود.

دلالت‌های تحلیلی این فضا سازی رسانه‌ای

۱. اعلام پیروزی اقتصادی پیش از تغییر رفتار تهران، می‌تواند تلاشی برای تبدیل فشار فرسایشی به دستاورد سیاسی باشد؛ این روایت، هزینه ادامه جنگ را برای مخاطب آمریکایی با وعده نزدیک شدن نتیجه نهایی توجیه خواهد کرد.
۲. تهدید واسطه‌ها و شرکای خارجی، ظرفیت فشار را از تصمیم‌واشنگتن به محاسبات بنگاه‌ها منتقل می‌کند؛ ترس از قطع دسترسی مالی ممکن است حتی معاملات مجاز را متوقف کند و هزینه همکاری را افزایش دهد.
۳. پیوند عملیات نظامی، محاصره و تحریم نشان می‌دهد فشار اقتصادی در این روایت، ادامه جنگ با ابزارهای مکمل است؛ هدف احتمالی، محدود کردن توان بازسازی ایران و کاهش گزینه‌های آن در مذاکرات سیاسی آتی خواهد بود.
۴. اتکای روایت پیروزی به افت ریال و ادعای توقف فروش نفت، میان آسیب اقتصادی و تسلیم سیاسی رابطه‌ای قطعی می‌سازد؛ حال آنکه اثبات چنین رابطه‌ای نیازمند مشاهده تغییر تصمیمات تهران، فراتر از نوسانات شاخص‌های اقتصادی کشور است.

تصویرسازی از کاهش تاب‌آوری اقتصادی ایران با پیوند افت ریال به محدودیت درآمد نفتی و گمانه‌زنی درباره پیامدهای سیاسی و امنیتی فشار معیشتی

رصد تولیدات رسانه‌های بین‌المللی پیرامون مسائل اقتصادی ایران نشان می‌دهد افت ارزش ریال در پوشش رسانه‌های خارجی، از خبری درباره بازار ارز به نشانه‌ای برای ارزیابی توان ادامه منازعه ایران تبدیل شده است. «رویترز» بر کاهش ارزش پول و مداخله بانک مرکزی تمرکز دارد، «فورچون» آن را به محدودیت درآمد نفتی پیوند می‌زند و «بلومبرگ» پیامدهای احتمالی فشار اقتصادی برای تصمیمات تهران را بررسی می‌کند. در کنار این گزارش‌ها، رسانه‌های تخصصی رمزارز و رسانه وابسته به شورای ملی مقاومت (رسانه اپوزیسیون)، محدودیت‌های مالی و مشکلات معیشتی را از زاویه‌های متفاوت دنبال کرده‌اند. خط‌روایی مشترک، حرکت از نوسان اقتصادی به پرسش درباره تاب‌آوری سیاسی است؛ اما نتیجه‌گیری منابع درباره سرانجام این فشار یکسان نیست.

کانون خبر افت ریال و آزمون مداخله ارزی

❖ «رویترز» در گزارشی نرخ دلار را با استناد به دووب سایت رصد بازار، حدود ۲۶۸ هزار و ۸۰۰ تا ۲۶۹ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام کرده و از برنامه عرضه تا سقف دو میلیارد دلار برای حمایت از پول ملی خبر داده است. همین مضمون در «میدل ایست‌آی» و «تایمز اسرائیل» نیز بازتاب یافته است. «اینوستینگ» نیز با تیتیر «افت دوباره ریال با ناتوانی مداخله ارزی دو میلیارد دلاری در مهار کاهش ارزش»، وجه ناکارآمدی

مداخله را برجسته می‌کند؛ بدون آنکه، میزان عرضه تحقق یافته و زمان لازم برای ارزیابی اثر آن را روشن نمی‌کند. رویترز همچنین توضیح مهدی دارابی، مشاور ارزی رئیس کل بانک مرکزی، درباره نقش فضا سازی خارجی را نقل کرده است: «القامی شود که اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی است... دشمن از این موضوع برای اثرگذاری بر نرخ ارز ما استفاده می‌کند.»

پشت ارقام تبدیل کاهش ارزش پول به روایت فرسایش معیشت

❖ «خبرگزاری آلمان» با انتقال بحث از نرخ ارز به زندگی روزمره، از کاهش معادل یورویی متوسط دستمزد ماهانه، بنا بر ارزیابی ناظران مالی، از حدود ۱۲۰ به ۷۰ یورو از ابتدای سال سخن می‌گوید. این گزارش، با استناد به اظهارات ساکنان تهران، افزایش قیمت نان و برنج و دشوار شدن خرید گوشت را توصیف می‌کند. «رویترز» نیز خرید ارز و طلا را واکنش بخشی از مردم برای حفظ پس انداز معرفی کرده است. در این روایت، افت ریال هم نشانه فشار معیشتی است و هم محرک تقاضا برای خروج از دارایی ریالی.

پل روایت از درآمد نفتی تا محدود شدن انتخاب‌های تهران

❖ «فورچون» کاهش ارزش پول را کنار محدودیت صادرات نفت و دشواری دسترسی به وجوه خارجی قرار می‌دهد. این رسانه به نقل از «کپلر»، شرکت تحلیل داده‌های انرژی، برآورد می‌کند ذخیره نفت روی آب ایران تا میانه اکتبر کاهش یابد، هرچند دریافت پول محموله‌های قبلی ممکن است تا دو سامبر ادامه داشته باشد. بنابراین، حتی در چارچوب همین گزارش نیز توقف بارگیری با توقف هم‌زمان وصول درآمد یکسان نیست. فورچون برای تقویت روایت محدودیت نقدینگی، اظهارات مسعود پزشکیان، در مصاحبه با فاکس نیوز را نقل می‌کند: «حتی نمی‌توانیم پول خودمان را از کشوری که به آن کالاداده‌ایم خارج کنیم، چه برسد به اینکه با آن به فرد دیگری در گوشه دیگری از جهان پرداخت کنیم.»

نقطه اختلاف افشار بیشتر به امتیازدهی می‌انجامد یا تشدید رویارویی؟

❖ «بلومبرگ» در گزارش «افزایش فشار بر ایران هم‌زمان با گسترش حضور نظامی آمریکا»، تورم، محاصره و آرایش نظامی را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، اما پاسخ تهران را قطعی نمی‌داند. بدرالسیف، استاد یار دانشگاه کویت و پژوهشگر همکار چتم‌هاوس، دو پیامد متضاد را مطرح می‌کند: «نکته متناقض این است که چنین فشاری می‌تواند پاسخ‌هایی متضاد ایجاد کند: امتیازدهی یا حمله پیش‌دستانه.»

❖ این گزارش، ارزیابی یک مقام ناشناس ایرانی درباره سازگاری کشور و حفظ توان پاسخ رانیز آورده است. «سی‌ان‌ان» هم ضمن طرح کاهش اهرم ایران در هرمز، به هزینه سنگین تداوم عملیات آمریکا و افت ذخایر جهانی نفت اشاره دارد. این ملاحظات، برداشت ساده‌انگارانه از فشار اقتصادی به عنوان مسیر تضمین شده تسلیم را محدود می‌کنند.

حاشیه مؤثر ارمزارز و سیاسی سازی مشکلات داخلی

❖ «کریپتو بریفینگ» برنامه محدود سازی حساب های ریالی و درگاه های برخی صرافی ها را در کنار خطر مسدود سازی تتر قرار می دهد و کاربران را تحت فشار هم زمان محدودیت داخلی و خارجی توصیف می کند. در سطحی متفاوت، وب سایت شورای ملی مقاومت، وابسته به سازمان مجاهدین خلق [منافقین]، اخبار ارز، دارو و کاهش تحویل گاز را تجمیع کرده و از آن ها نتیجه آسیب پذیری سیاسی و افزایش احتمال سقوط نظام را مطرح می کند.

برآورد و تحلیل

اهمیت این پوشش، در ساختن زنجیره ای از افت ریال، فشار معیشتی، محدودیت منابع و کاهش قدرت تصمیم گیری تهران است. تکرار این پیوند می تواند نگرانی اقتصادی را به انتظار تغییر سیاسی تبدیل کند و بر رفتار صاحبان پس انداز و شرکای تجاری اثر بگذارد. نقطه تعیین کننده، توان تبدیل منابع موجود به تأمین پایدار نیازهای داخلی و حفظ اعتماد عمومی است؛ در مقابل، افزایش فشار بدون مسیر خروج قابل قبول می تواند به جای سازش، انگیزه تشدید رویارویی را تقویت کند.

تصویرسازی از درهم آمیختگی دیپلماسی و تجارت با پیوند مذاکرات صلح اوکراین به معامله نفتی لوک اوایل و گمانه زنی درباره تضاد منافع نزدیکان ترامپ

رصد گزارش های تازه «نیویورک تایمز»، «دیلی بیست»، «نیوزر» و «هیل» نشان می دهد مذاکرات صلح اوکراین از چارچوب امنیتی صرف خارج شده و به یک معامله چند میلیارد دلاری نفتی گره خورده است. ولادیمیر پوتین در دیدار ۵ سپتامبر با استیو ویتکاف و جرد کوشنر، فروش دارایی های جهانی لوک اوایل را پیشنهاد داده است؛ معامله ای که به گفته منابع آگاه، با هدف نمایش امکان تجارت با آمریکا و هم زمان کاهش قیمت های جهانی انرژی طراحی شده است. لوک اوایل، بزرگ ترین شرکت نفتی خصوصی روسیه، دارای پالایشگاه هایی در اروپا، میادین نفتی در کامرون و پمپ بنزین هایی در نیوجرسی است. ارزش دارایی های بین المللی آن سال گذشته ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده بود. کارشناسان معتقدند؛ این معامله نیازمند تأیید کاخ سفید و کرملین است و به دلیل تحریم های آمریکا، هرگونه فروش آن مستلزم مجوز رسمی وزارت خزانه داری است. نکته حائز اهمیت آنکه جنگ اخیر ایران و کمبود جهانی سوخت جت و دیزل، انگیزه اقتصادی فوری برای واشنگتن جهت تسریع در دسترسی به این منابع را ایجاد کرده است.

گروه پیشرو برای خرید این دارایی‌ها، تلفیقی از چهره‌های سیاسی و اقتصادی است:

- ❶ تاد بولی: سرمایه‌گذار آمریکایی و اهداکننده دومیلیون دلار به کمپین‌های ترامپ.
- ❷ برادران الخیات (مطاز و رامز): سرمایه‌گذاران قطری که در پروژه هتل لوکس آلبانی با کوشنر و ایوانکا ترامپ شریک هستند.
- ❸ شیخ طحنون: مقام امنیتی امارات که از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری خود، در شرکت رمز ارز «ورلدلیبرتی فایننشال» (مشارکت ترامپ و خانواده ویتکاف) و صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی کوشنر سهام دارد.
- ❹ سازمان توسعه مالی بین‌المللی آمریکا (DFC): که به نمایندگی از دولت آمریکا در این معامله سهام دار می‌شود.

تناقضات و چالش‌ها

این معامله با ابراز نگرانی شدید کارشناسان مواجه شده است. هوی چن، مشاور پیشین وزارت دادگستری، این درهم‌تنیدگی را «هشدار دهنده» خوانده و می‌پرسد چگونه دولت می‌تواند پیشنهاد های رقیب را بدون سوگیری شخصی ارزیابی کند. در همین حال، کرملین به سرعت از کوشنر دفاع کرده و کریل دیمیتریف، فرستاده پوتین، او را «صلح‌ساز» خوانده است. ویتکاف و کوشنر هر دو تأکید دارند که هیچ نفع مالی شخصی در این معامله ندارند و بدون دریافت حقوق دولتی کار می‌کنند. پیش از این نیز پیشنهاد رقیب (کارلایل) به دلیل تأخیر در تأیید وزارت خزانه‌داری متوقف شده بود.

برآورد نهایی

این پرونده نشان دهنده تغییر پارادایم در دیپلماسی آمریکا از «فشار حداکثری» به «تجارت حداکثری» است. اگرچه این معامله می‌تواند مسیر خروج پوتین از جنگ را هموار کند و قیمت انرژی را کاهش دهد، اما مرزهای اخلاقی سیاست خارجی را در هم می‌شکند. سرنوشت لوک‌اویل به آزمون بزرگ شفافیت در دولت ترامپ تبدیل شده است؛ جایی که تصمیم‌گیری نهایی نه در وزارت خزانه‌داری، بلکه در کاخ سفید و بر اساس منافع شبکه‌ای پیچیده از شرکای تجاری رئیس‌جمهور شکل می‌گیرد.

تصویرسازی از ناکارآمدی مداخله ارزی بایبوند جهش دلار به ۲۷۰ هزار تومان به عرضه سهمیه‌ای ۱۰ هزار دلاری و گمانه‌زنی درباره سرنوشت بازار ارز

نرخ دلار آزاد در فاصله یک هفته گذشته تاکنون از ۲۵۵ به ۲۷۰ هزار تومان رسید و یورو از ۳۰۶ هزار تومان عبور کرد. سکه امامی نیز به ۲۷۴ میلیون تومان رسید. بانک مرکزی در واکنش، عرضه ۱۰ هزار دلار با کارت ملی را از پنج بانک ملت، تجارت، ملی، صادرات و سامان آغاز کرد؛ نرخ عرضه ۲۵۷ تا ۲۵۹

هزار تومان اعلام شد. فاصله این نرخ با بازار آزاد حدود ۱۳ هزار تومان است.

سیاست‌های مداخله‌ای؛ از عرضه اسکناس تا محدودیت رمزارز

❖ بانک مرکزی هم‌زمان با عرضه ارز، تأمین مالی بانکی برای خرید ارز، طلا و رمزارز را ممنوع کرد. نمایش نمودار قیمت تتر در صرافی‌ها متوقف شد و گزارش‌ها از برنامه مسدودسازی حساب‌ها و درگاه‌های ریالی برخی صرافی‌های رمزارزی خبر می‌دهند. خبرگزاری فارس در این رابطه نوشت این محدودیت‌ها به دلیل «سفارش‌گذاری مصنوعی در بازار تتر» اعمال می‌شود.

تناقضات و چالش‌ها

❖ کارشناسان می‌گویند نرخ ۲۵۹ هزار تومانی، به جای مهار بازار، یک کف قیمتی ایجاد می‌کند. دستیار ارزی رئیس کل بانک مرکزی افزایش کنونی را «گذرا» خواند، اما دلار در همان روز از ۲۷ هزار تومان عبور کرد. محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس، گفت: «از عرضه ارز ۱۰ هزار دلاری تعجب کردم؛ شخصاً پیگیری می‌کنم.» مهدی کوچک‌زاده نیز آن را «رانت» خواند و گفت سود آن به جیب دلالت می‌رود.

برآورد نهایی

مداخله ارزی بانک مرکزی، در شرایطی که محاصره دریایی، تحریم‌های نفتی و ناترازی ارزی ادامه دارد، بیشتر نقش مسکن کوتاه‌مدت را بازی می‌کند. تازمانی که عرضه ارز با تقاضای احتیاطی و انتظارات تورمی همراه است، فاصله نرخ رسمی و آزاد حفظ می‌شود. بدون اصلاح ساختاری در سیاست ارزی و تجاری، هدف بعدی بازار، کریدور ۳۰۰ هزار تومانی خواهد بود.

بازنمایی از ناترازی ساختاری انرژی با پیوند افت ۱۴ درصدی تحویل گاز به شبکه سراسری و

گمانه‌زنی درباره خاموشی‌های زمستانی

اخیراً رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق هشدار داده: «به علت اتفاقاتی که در جنگ افتاده و بخشی از ظرفیت تولید گاز کم شده، ناترازی امسال تشدید شده است. اینکه به علت کمبود سوخت، خاموشی در نیروگاه‌ها داشته باشیم، می‌تواند یک واقعیت محتمل باشد.» هم‌زمان، مدیرعامل شرکت ملی گاز از کاهش ۱۴ درصدی تحویل گاز به شبکه سراسری خبر داده است.

ناترازی ساختاری و دورریشه اصلی

کارشناسان معتقدند در مقطع فعلی ناترازی انرژی در ایران دورریشه دارد: نخست، افت تولید گاز در پارس جنوبی که در جریان جنگ آسیب دیده و بخشی از ظرفیت آن از مدار خارج شده است.

دوم، رشد بی وقفه مصرف داخلی به دلیل قیمت های یارانه ای و نبود بهره وری.

ایران پیش از جنگ نیز در اوج مصرف با کسری روزانه ۴۰۰ میلیون مترمکعب گاز مواجه بود. حالا این کسری با افت تولید تشدید شده است.

تناقض وعده و واقعیت

برخی رسانه ها و کاربران شبکه های اجتماعی اذعان می کنند؛ چند ماه پیش قطعی برق تابستان به گرمای هوا نسبت داده می شد و وعده داده بودند با پایان تابستان شرایط عادی می شود. اما اکنون با نزدیک شدن به فصل سرما، صحبت از کمبود گاز و خاموشی های زمستانی مطرح شده است. این روند در حالی است که، قیمت برق صنایع در بورس انرژی تا ۱۶ هزار تومان به ازای هر کیلووات ساعت رسیده، در حالی که قیمت برق خانگی ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان است. این شکاف، انگیزه سرمایه گذاری در بهره وری را از بین می برد.

پیامدهای صنعتی و اجتماعی

از سوی دیگر، قطع برق تولید، اشتغال و فعالیت کارخانه ها را با مشکلات جدی روبه رومی کند. صنایع فولاد، سیمان و پتروشیمی که به برق پایدار نیاز دارند، با توقف تولید مواجه خواهند شد و این امر می تواند به افزایش بیکاری و کاهش صادرات غیرنفتی منجر شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی ها نشان می دهد، ناظر به روند فعلی خاموشی زمستانی نه یک احتمال دور، بلکه یک واقعیت محتمل است. بدون سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری سالانه در صنعت برق و اصلاح نظام قیمت گذاری انرژی، ناترازی به یک بحران مزمن تبدیل می شود که هم تولید صنعتی و هم زندگی روزمره شهروندان را تحت تأثیر قرار می دهد.

فرسایش اعتماد سرمایه گذاران با پیوند ریزش ۲۴ هزار واحدی شاخص به بلا تکلیفی نرخ خوراک پالایشی و گمانه زنی درباره تداوم خروج پول حقیقی

شاخص کل بورس تهران در معاملات یکشنبه ۱۲ مهر با کاهش ۲۴ هزار و ۷۸۹ واحدی (معادل ۰.۳۲ درصد) به سطح ۷ میلیون و ۷۸۳ هزار واحد رسید. ارزش معاملات خرد به ۵۱.۲ همت رسید و بیش از ۸۱۸ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. ۶۴ درصد نمادهای بازار منفی بودند.

محور اول: بسته بودن نمادهای پالایشی و ابهام در نرخ خوراک

بسته بودن نمادهای پالایشی (شبندر، شتران، شپنا، شبریز و شراز) به دلیل ابهام در نرخ خوراک،

مهم‌ترین عامل بلا تکلیفی بازار است. جلسه معاون اول رئیس جمهور برای تصمیم‌گیری درباره تخفیف ۵ درصدی خوراک پالایشگاه‌ها بدون نتیجه پایان یافت و اختلاف وزارت نفت و وزارت اقتصاد همچنان بالاست. در همین رابطه پرویز خالقی، تحلیلگر بازار، در یادداشتی تند نوشت: «آزموده را آزمودن خطاست. از سال ۱۳۹۲ تا امروز، بارها بورس با مداخلات دولت در نرخ خوراک به کما رفته و سرمایه‌گذاری در این کشور تا مدت‌ها به فنا رفته است.»

محور دوم: جهش نرخ دلار و فشار بر ارزش دلاری بازار

❖ جهش نرخ دلار آزاد به بالای ۲۷۰ هزار تومان، ارزش دلاری بازار سهام را تحت فشار قرار داده و سطح ۱۰۰ میلیارد دلار را به مرز حساسی تبدیل کرده است. به گفته پویان مظفری، تحلیلگر بازار سرمایه: «خوب بودن حال کلی بازار سرمایه به طور کاملاً واضح ناشی از انتظارات تورمی است؛ چرا که بازار انتظار دارد تورم موجود به شرکت‌ها منتقل شود.» اما این انتظار در شرایطی مطرح می‌شود که دولت با ابهام در نرخ خوراک، دقیقاً همان مکانیزم انتقال تورم به سود شرکت‌ها را مختل کرده است.

محور سوم: خروج پول حقیقی و فرار سرمایه

❖ در پایان معاملات، ۶۴ درصد نمادهای بازار منفی بودند و خالص خروج نقدینگی حقیقی به ۸۱۸ میلیارد تومان رسید. صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج ۷۰۵ میلیارد تومان مواجه شدند. به گفته کارشناسان، ترس از دست دادن بازدهی کسب‌شده، بسیاری از سهامداران را به فروش وامی دارد.

برآیند

بورس تهران در یک دوراهی خطرناک قرار گرفته است. از یک سو، انتظارات تورمی و رشد نرخ ارز می‌تواند به رشد اسمی قیمت‌ها منجر شود. از سوی دیگر، ابهام در سیاست‌گذاری و دخالت‌های غیرکارشناسی، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. اگر دولت نتواند در هفته‌های آینده تکلیف نرخ خوراک را روشن کند و به دخالت‌های مکرر در بازار پایان دهد، خروج سرمایه از بورس تشدید خواهد شد و بازار سرمایه کارکرد تأمین مالی خود را از دست می‌دهد.

روایت پردازی از انسداد بازار اجاره با پیوند خودداری مالکان از عرضه به رشد ۳۲.۸ درصدی

تورم اجاره و گمانه‌زنی درباره تعمیق بحران مسکن

بررسی میدانی رسانه‌های اقتصادی از بازار مسکن تهران نشان می‌دهد کاهش فایل اجاره در دو هفته اخیر در مناطق ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۶ و ۱۸ قابل مشاهده است. مشاوران املاک از افزایش تمديد قراردادها و خودداری بخشی از مالکان از عرضه واحدهای خالی خبر می‌دهند. تورم نقطه به نقطه اجاره در شهریور ۳۲.۸ درصد اعلام شده است.

کارشناسان معتقدند؛ بازار اجاره در یک «قفل سه گانه» گرفتار شده است:

نخست، افزایش نرخ ارز و انتظارات تورمی، مالکان را به این باور رسانده که ارزش دارایی شان در حال کاهش است.

دوم، کاهش قدرت خرید مستأجران که توان پرداخت اجاره های بالاتر را ندارند.

سوم، سیاست های دولت مانند طرح مسکن استیجاری که به دلیل پیچیدگی اجرا، هنوز نتوانسته بازار را متعادل کند.

تناقض آماری و دوگانه مالک-مستأجر

❖ آمار رسمی یک تناقض ظاهری را نشان می دهد: تورم نقطه به نقطه اجاره ۳۲.۸ درصد است، اما از تورم عمومی همان ماه پایین تر است. به نظر می رسد یک عدد واحد از دوسوی بازار، دو معنای متفاوت دارد: اجاره برای مستأجر همچنان سنگین است، اما بازده اجاره برای برخی مالکان ممکن است در مقایسه با انتظارات تورمی جذابیت گذشته را نداشته باشد. این شکاف، انگیزه عرضه را کاهش می دهد.

طرح های دولتی و ناکارآمدی اجرا

❖ طرح مسکن استیجاری با تعیین اجاره بها بر اساس ۳۵ تا ۵۵ درصد نرخ کارشناسی روز، هنوز نتوانسته بازار را متعادل کند. همچنین طرح TOD (توسعه مبتنی بر حمل و نقل عمومی) که به گفته کارشناسان، به دلیل تمرکز بر تراکم فروشی و نادیده گرفتن ناترازی آب و برق، می تواند بحران را تشدید کند.

برآورد نهایی

قفل شدگی بازار اجاره، نه یک پدیده مقطعی، بلکه نشانه ای از تعمیق بحران مسکن است. تازمانی که انتظارات تورمی و نا اطمینانی ارزی ادامه دارد، مالکان به نگه داشتن دارایی خود ادامه می دهند و مستأجران با افزایش اجاره بها مواجه خواهند شد.

سه روایت از تجمعات و اعتراضات؛ از گره خوردن اعتراضات صنفی به بحران صندوق های

بازنشستگی تا ابراز نگرانی از انحراف تجمعات شبانه

روایت اول: خیابان ها

❖ بنا بر روایت رسانه های معاند روز یکشنبه ۱۲ مهر، تجمعات اعتراضی بازنشستگان در اصفهان (مقابل استانداری)، اهواز (مقابل تأمین اجتماعی خوزستان)، شوش و کرمانشاه برگزار شد. شعارها از «دشمن ما همین جاست، دروغ می گن آمریکاست» تا «نه جنگ می خواهیم، نه کشتار؛ رفاه می خواهیم ماندگار» متغیر بود. از سوی دیگر موج سازی خبری پیرامون استعفای پرستاران ادامه دارد، در همین رابطه

برخی کانال‌های معاند به نقل از مدیرعامل خانه پرستار نوشته‌اند: «پرستار به این نتیجه رسیده که اگر با حقوق ۲۵ میلیون تومان در خانه بنشیند، استهلاک کمتری و مقرون به صرفه‌تر است.»

روایت دوم: ریشه‌های ساختاری

❖ صندوق‌های بازنشستگی ایران در یک «تله جمعیتی-اقتصادی» گرفتار شده‌اند. از یک سو، نرخ باروری کاهش یافته و تعداد ازدواج‌ها از ۹۰۰ هزار مورد در سال ۱۳۸۹ به ۴۳۱ هزار مورد در ۱۴۰۴ رسیده است. از سوی دیگر، تورم ۸۳.۸ درصدی، مستمری‌های ثابت را به شدت فرسوده کرده است. رئیس سازمان ملی جوانی جمعیت هشدار داده: «با ادامه این روند، جمعیت کشور تا سال ۱۴۸۰ به مرز ۳ میلیون نفر سقوط خواهد کرد.»

روایت سوم: تقابل سیاسی

❖ روزنامه جوان در یادداشتی هشدار داده: «چرا تجمعات شبانه را با موضوع زندانی شدن رسایی به بیراهه می‌برید؟ مسئله اصلی کشور چیز دیگری است.» این اذعان، نشانه‌ای از نگرانی از انحراف تجمعات شبانه جبهه انقلاب به سمت اقدامات ساختارشکنانه از سوی عده‌ای خاص است. در همین رابطه روند هان‌شان می‌دهد، رسانه‌های انقلابی بر ضرورت حمایت از دولت و پرهیز از دام‌های سیاسی تأکید می‌کنند.

برآورد نهایی

اعتراضات صنفی، نه یک پدیده مقطعی، بلکه نشانه‌ای از فرسایش سرمایه اجتماعی و ناتوانی ساختاری دولت در تأمین رفاه است. تازمانی که صندوق‌های بازنشستگی اصلاح نشوند و اقتصاد به مسیر رشد پایدار بازنگردد، این اعتراضات گسترده‌تر خواهند شد و می‌توانند به یک بحران سیاسی-اجتماعی فراگیر تبدیل شوند.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های منطقه و رژیم صهیونیستی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ طرح موضوع تکمیل حلقه محاصره اقتصادی ایران با انتقال فشار دریایی آمریکا از بنادر جنوبی به کریدور تجاری خزر و تحریم زنجیره کشتیرانی شمال و پیشنهاد ارسال داده‌های تجاری به رژیم صهیونیستی و اوکراین جهت هدف‌گیری بنادر خزر
- ❖ برجسته‌سازی سقوط ارزش ریال به عنوان نشانه اثرگذاری سیاست «طرد اقتصادی» آمریکا و القای نزدیک شدن ایران به نقطه شکست اقتصادی
- ❖ ادعای الجزیره درباره افزایش تحرکات میانجی‌گرانه قطر برای احیای مذاکرات تهران و واشنگتن در سایه تشدید تهدیدهای نظامی
- ❖ القای تغییر محاسبات امنیتی عربستان در سطح منطقه با عبور از خویشتن‌داری و تأکید بر بازتعریف بازدارندگی منطقه‌ای
- ❖ ادراک‌سازی از ورود فشار بر ایران به مرحله تازه با تشدید رهگیری تسلیحاتی و افزایش آمادگی آمریکا برای اقدام نظامی
- ❖ بازنمایی نشست کمپ دیوید به عنوان مقدمه احتمالی تشدید جنگ با ایران و گشایش جبهه جدید علیه انصارالله
- ❖ بازنمایی کریدور خزر به عنوان مسیر لجستیکی ایران و روسیه برای دورزدن تحریم‌ها و زمینه‌سازی برای گسترش فشار به بنادر، کشتی‌ها، بیمه‌ها، بانک‌ها و صنایع کشتی‌سازی مرتبط
- ❖ اعمال فشار برای مسدودسازی مسیرهای جایگزین تجارت خارجی ایران با پیشنهاد تحریم بنادر امیرآباد، انزلی و نوشهر و هدف‌گیری تمامی حلقه‌های پشتیبان تجارت دریای خزر
- ❖ برجسته‌سازی افزایش ۵۰ درصدی محموله‌های خزر و توسعه ظرفیت ناوگان کشتیرانی ایران برای القای انتقال تجارت تحریم‌گریز تهران از مبادی جنوبی به مرزهای شمالی
- ❖ ادراک‌سازی از سقوط ریال به عنوان شاخص سنجش موفقیت تحریم و محاصره با برجسته‌سازی رکوردهای ارزی و ناکارآمدی مداخلات بانک مرکزی در مهار بازار
- ❖ هراس افکنی از «فاجعه اقتصادی» در ایران با بازتاب ادبیات مارکوریو و پیوند کاهش ارزش پول ملی با تشدید سیاست «طرد اقتصادی» و واشنگتن
- ❖ فضا‌سازی درباره وجود روزه دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن با برجسته‌سازی پیشنهادهای تازه قطر و توصیف فضای رایزنی‌ها به عنوان «نسبتاً مثبت» هم‌زمان با تداوم احتمال تشدید نظامی
- ❖ متهم‌سازی ایران به پیوند دادن فشار در تنگه هرمز و باب‌المندب با برجسته‌سازی نقش تهران در تحرکات انصارالله و تهدید مسیرهای صادرات انرژی عربستان
- ❖ طرح مطالبه بازطراحی چتر امنیتی آمریکا در منطقه با تأکید بر ناکافی بودن حضور نظامی سنتی در

برابر تهدیدهای موشکی و پهپادی و ضرورت بازدارندگی فعال تر

- ❖ تشبیه ایران و رژیم صهیونیستی به دو منشأ هم زمان تهدید برای امنیت عربستان و مشروط سازی اعتماد آینده ریاض به تهران به اقدامات عملی و قابل مشاهده
- ❖ برجسته سازی هم زمان فشار اقتصادی، رهگیری تسلیحاتی و آرایش نظامی آمریکا برای تصویرسازی از شکل گیری فشار چندلایه علیه ایران و محدود شدن گزینه های تهران
- ❖ آینده هراسی از بازگشت جنگ گسترده با برجسته سازی محرمانه و «غیرمعمول» بودن نشست کمپ دیوید، مقایسه آن با نشست پیش از جنگ ۲۰۲۵ و پیوند پرونده ایران با جبهه یمن

رصد و تحلیل

طرح موضوع تکمیل حلقه محاصره اقتصادی ایران با انتقال فشار دریایی آمریکا از بنادر جنوبی به کریدور تجاری خزر و تحریم زنجیره کشتیرانی شمال / پیشنهاد ارسال داده های تجارتی به رژیم صهیونیستی و اوکراین جهت هدف گیری بنادر خزر

در امتداد فشارهای دریایی آمریکا بر مبادی جنوبی ایران، «میدل ایست فروم» در گزارشی با عنوان «ایالات متحده باید مسیر تجارت تحریم گریز ایران و روسیه در خزر را مسدود کند» خواستار انتقال دامنه فشار اقتصادی به مرزهای شمالی ایران شده است. نقطه عزیمت گزارش آن است که با محدود شدن تجارت از بنادر جنوبی، تهران در حال افزایش استفاده از مسیر خزر است؛ به ادعای نویسنده، حجم محموله های خزر میان مارس تا اوت ۲۰۲۶ حدود ۵ درصد افزایش یافته و ظرفیت ناوگان خزر شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی نیز قرار است تا پایان سال به ۱۵۰ هزار تن برسد.

تکمیل حلقه فشار از جنوب تا شمال

لئونید بارتزبا با بازخوانی و برجسته سازی ادعای سابقه انتقال مهمات ایران به روسیه و ارسال قطعات پهپادی روسیه به ایران، خزر را نه صرفاً یک مسیر تجاری، بلکه «کریدور لجستیکی ایران-روسیه برای دورزدن تحریم ها» بازنمایی می کند. بر همین اساس، پیشنهاد اصلی گزارش استفاده از قانون جدید تحریم روسیه و ایران برای هدف گیری کشتی های حامل نفت، تسلیحات و سایر کالاها و همچنین مالکان، مدیران، شرکت های بیمه و بنادر خدمات دهنده به آنها است.

گزارش مشخصاً خواستار رصد بنادر امیرآباد، انزلی، نوشهر، آستراخان، اولیاوماخاچ قلعه و اشتراک گذاری اطلاعات با رژیم صهیونیستی و اوکراین شده و حتی پیشنهاد می کند دامنه تحریم ها به کشتی سازی های سازنده شناور برای ناوگان ایرانی و بانک های تسویه کننده مبادلات خزر گسترش یابد. اهمیت این پیشنهاد در تلاش برای تکمیل جغرافیای فشار اقتصادی علیه ایران است. در این چارچوب، محدود سازی بنادر جنوبی کافی تلقی نشده و مسیر خزر نیز باید از یک منفذ جایگزین تجارت خارجی به حوزه اعمال تحریم ثانویه تبدیل شود. تحقق چنین رویکردی می تواند فشار آمریکا را از محاصره

دریایی جنوب به شبکه حمل و نقل، بیمه، بانکداری و کشتی سازی مرتبط با تجارت شمالی ایران بسط دهد و هم زمان همکاری اقتصادی تهران و مسکو را با هزینه بیشتری مواجه سازد. نکته حائز اهمیت به ارسال اطلاعات به رژیم صهیونیستی و اوکراین باز می گردد؛ نام بردن از دوررئیمی که هم زمان با مسکو و تهران در وضعیت جنگی به سر می برند، نشان می دهد که دامنه فشارها بر بنادر دریای خزر محدود به تحریم های اقتصادی نبوده و می تواند مراکز یاد شده در لوای جنگ مورد آتش حمله دشمن قرار گیرد.

ادراک سازی از چند پارگی ساختار تصمیم گیری در ایران با ادعای فقدان اختیار کافی تیم مذاکره کننده و معرفی اختلافات داخلی به عنوان مانع توافق

محمد الرمیچی، نویسنده و پژوهشگر کویتی، در یادداشتی در «الشرق الاوسط» با عنوان «ایران باید ابتدا با خودش به توافق برسد»، ریشه دشواری مذاکرات تهران و واشنگتن را نه صرفاً اختلافات دو طرف، بلکه آنچه چند پارگی مراکز قدرت و ابهام در حدود اختیارات مذاکره کنندگان ایرانی می خواند، معرفی کرده است. وی مدعی است طرف مقابل نمی تواند مطمئن باشد امضای مذاکره کنندگان، دیگر مراکز تصمیم گیری در ایران را نیز متعهد خواهد کرد.

الرمیچی در تقویت این گزاره، به اختلاف روایت ها درباره اختیارات هیئت ایرانی در نیویورک، انتقادات داخلی از مذاکرات و تجربه محمد جواد ظریف در کتاب «تاب آوری دیپلماسی» استناد می کند و مدعی است تعدد نهادهای تصمیم گیر سبب شده هر تصمیم قابلیت توقف یا تغییر در مرحله اجرا را داشته باشد. وی همچنین حمله به یک کشتی پس از تفاهم اسلام آباد را شاهی برای طرح این پرسش گرفته که آیا نهادهای مسلح خود را ملزم به اجرای تعهدات سیاسی می دانند یا خیر.

نویسنده در ادامه، هر مز را تنها بخشی از مناقشه دانسته و پرونده هسته ای، موشک های بالستیک و روابط تهران با حزب الله و انصار الله را مسائل حل نشده معرفی می کند. این پژوهشگر کویتی همچنین با تأکید بر استقلال لبنان و یمن، خواستار خارج شدن آینده گروه های مسلح این کشورها از حوزه چانه زنی تهران شده و پیش بینی کرده که اختلافات داخلی در ایران می تواند چشم انداز حل و فصل بحران را محدود نگه دارد.

مهم ترین اهداف چارچوب الرمیچی در الشرق الاوسط را می توان این گونه قلمداد نمود:

- ❖ کم رنگ سازی نقش اختلافات ماهوی و مطالبات واشنگتن در دشواری دستیابی به توافق؛
- ❖ انتقال کانون مسئولیت بن بست مذاکرات به تهران و ساختار تصمیم گیری داخلی ایران؛
- ❖ تشکیک در اعتبار و اختیار تیم مذاکره کننده ایرانی برای ارائه تضمین های قابل اجرا؛
- ❖ بازنمایی ساختار سیاسی ایران به عنوان چند پاره و فاقد تصمیم واحد در پرونده سیاست خارجی؛
- ❖ زمینه سازی برای افزایش مطالبه تضمین های فراتر از تعهد مذاکره کنندگان ایرانی در توافق احتمالی.

وزن دهی به گزاره «ایران پیش از توافق با جهان باید با خود توافق کند»، عملاً چارچوبی برای مقصرنمایی تهران در افزایش تنش ها و عدم حصول توافق ایجاد می کند؛ چارچوبی که می تواند سهم عوامل بیرونی و اختلافات مذاکراتی را به حاشیه برده و ذهنیت افکار عمومی را نسبت به نقش ایران منفی تر سازد.

برجسته سازی سقوط ارزش ریال به عنوان نشانه اثرگذاری سیاست «طرد اقتصادی» آمریکا و القای نزدیک شدن ایران به نقطه شکست اقتصادی

افزایش متوالی نرخ ارز در ایران، طی روزهای اخیر به یکی از محورهای مشترک پوشش رسانه های عربی و عبری از وضعیت اقتصادی کشور تبدیل شده است؛ پوششی که کاهش ارزش ریال را مستقیماً به تحریم های فزاینده، محاصره دریایی و سیاست «طرد اقتصادی» دولت ترامپ پیوند می زند و از شاخص ارزی برای سنجش میزان اثرگذاری فشار واشنگتن بر تهران استفاده می کند.

«شفق نیوز» با استناد به برخی داده های سایت های ایرانی، از رسیدن نرخ فروش دلار در بازار آزاد به ۲۶۷ هزار و ۱۰۰ تومان خبر داده و افزایش بیش از ۲ درصدی آن در معاملات روز را برجسته کرده است. «تایمز آو اسرائیل» نیز با تیتیر «ریال ایران تنها چند روز پس از کف قبلی به پایین ترین سطح تاریخی جدید رسید»، نرخ حدود ۲ میلیون و ۶۸۸ هزار ریال را در کنار اقدام بانک مرکزی برای عرضه تا ۲ میلیارد دلار قرار داده و این تحول را در بستر تحریم ها و محاصره دریایی آمریکا روایت کرده است.

همین چارچوب در «میدل ایست آی» و همچنین گزارش های «عرب نیوز» و «سی ان بی سی عربی» تکرار شده است؛ «عرب نیوز» کاهش بیش از نیمی از ارزش پول ایران طی یک سال و حرکت بخشی از سرمایه ها به سمت ارز و طلا را برجسته کرده، در حالی که «آنا تولی» چند روز پیش عبور دلار از ۲۰۵ میلیون ریال را به «تحریم های سنگین آمریکا» و فشار جنگ و محاصره مرتبط کرده بود.

وزن دهی رسانه ای به این روند با ادبیات رسمی واشنگتن نیز هم جهت شده است. مارکوروبیوا از حرکت ایران به سوی یک «فاجعه اقتصادی» سخن گفته و وزارت خزانه داری نیز در چارچوب «عملیات طرد اقتصادی»، هدف خود را قطع جریان های باقی مانده درآمدی ایران اعلام کرده و اخیراً دامنه فشار را به صنایع خودروسازی، ریلی و شبکه های مالی گسترش داده است.

تکرار هم زمان رکورد های ارزی در پوشش رسانه ای، در حال تبدیل کاهش ارزش ریال به شاخصی برای اثبات کارآمدی راهبرد فشار واشنگتن است. در این چارچوب، برجسته سازی ناتوانی مداخلات ارزی در مهار بازار، علاوه بر القای شکنندگی اقتصاد ایران، می تواند در فضای سیاسی آمریکا به تقویت استدلال حامیان ادامه تحریم و محاصره کمک کند؛ با این پیام که استمرار فشار، بدون نیاز به عقب نشینی از مسیر کنونی، می تواند تهران را با هزینه های اقتصادی فزاینده مواجه سازد. هم زمان، پیوند مکرر سقوط ریال با ادبیات «فاجعه اقتصادی»، روایت نزدیک شدن جمهوری اسلامی به شکست اقتصادی را تقویت می کند؛ هرچند رابطه نرخ ارز با مجموعه ای از عوامل داخلی، انتظارات بازار، جنگ و فشار خارجی

پیچیده‌تر از این صورت‌بندی رسانه‌ای است.

ادعای الجزیره درباره افزایش تحرکات میانجی‌گرانه قطر برای احیای مذاکرات تهران و واشنگتن در سایه تشدید تهدیدهای نظامی

در میانه افزایش بدبینی‌ها نسبت به حصول توافق و تشدید گمانه‌زنی‌ها درباره رویارویی مجدد تهران و واشنگتن، «الجزیره» در گزارشی مدعی شده است میانجی‌گران قطری مجموعه‌ای از پیشنهادهای جدید را برای نزدیک کردن مواضع دو طرف مطرح کرده‌اند و تحرکات دیپلماتیک برای شکستن بن‌بست مذاکرات افزایش یافته است.

براساس این گزارش، تهران پیشنهادهای قطر را در شورای عالی امنیت ملی بررسی می‌کند و با وجود تداوم اختلافات بر سر شروط آغاز مذاکرات و پرونده هسته‌ای، فضای رایجی‌ها «نسبتاً مثبت» ارزیابی شده است. «الجزیره» همچنین مدعی شده ایران بر جدیت خود برای دستیابی به راه‌حل تأکید دارد و هفته پیش رومی‌تواند شاهد افزایش تلاش‌های دیپلماتیک باشد؛ هرچند احتمال تشدید نظامی همچنان پابرجاست.

تحرکات مذکور در امتداد میانجی‌گری فعال دوحه طی روزهای اخیر قرار دارد؛ پیش‌تر نیز پاسخ آمریکا به طرح اعتماد ساز هفت‌روزه از طریق قطر به تهران منتقل شده بود و بر خلاف مخالفت واشنگتن با پیشنهاد طرف ایرانی، شماری از رسانه‌های منطقه‌ای آن را به اختلافات بر سر ترتیب اجرای تعهدات، رفع فشارها و نحوه بازگشایی هرگز تقلیل دادند.

از منظر رسانه‌ای، گزارش «الجزیره» رامی‌توان تا حدی در چارچوب گفتار درمانی دیپلماتیک و تلاش برای کاهش التهاب سیاسی و بازار انرژی ارزیابی کرد. روایت فضای «نسبتاً مثبت» با ادبیات تند اخیر واشنگتن درباره اثرگذاری سیاست «طرد اقتصادی» و ضرورت وادارسازی ایران به پذیرش مطالبات آمریکا فاصله محسوسی دارد. در بستر تحولات مذکور مقامات ایرانی بازگشایی تنگه هرمز و بازگشت به مذاکرات را به تحقق شروط اعلامی تهران پیوند زده‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد افزایش تحرکات میانجی‌گرانه لزوماً به معنای کاهش شکاف‌های اصلی نبوده و با توجه به اختلافات بنیادین حاکم میان طرفین، امکان حصول توافق با واقعیت‌های میدانی در تعارض می‌باشد.

القای تغییر محاسبات امنیتی عربستان در سطح منطقه با عبور از خویشتن‌داری و تأکید بر بازتعریف بازدارندگی منطقه‌ای

تحولات پس‌از هفتم اکتبر، وقوع دو جنگ علیه ایران، گسترش بحران یمن و سرایت ناامنی به زیرساخت‌های حیاتی عربستان، محیط امنیتی پیرامون ریاض را دستخوش تغییر کرده است. حمله پهپادی سپتامبر به خط لوله راهبردی شرق غرب عربستان که ریاض مبدأ آن را خاک عراق اعلام کرد، برای مدتی انتقال نفت به یمن را مختل کرد؛ رخدادی که در کنار تهدید انصارالله و اختلال در هرمز و باب‌المندب، آسیب‌پذیری مسیرهای انرژی سعودی را برجسته ساخت.

در چنین فضایی، مصاحبه شاهزاده ترکی الفیصل، رئیس پیشین دستگاه اطلاعاتی عربستان و سفیر سابق این کشور در آمریکا و بریتانیا، با فیصل جی. عباس، سردبیر «عرب نیوز» رانمی توان هم تراز دیدگاه یک تحلیلگر عادی ارزیابی کرد. هرچند وی اکنون مقام اجرایی دولت نیست، اظهاراتش در امتداد سخنان محمد بن سلمان درباره پاسخ قاطع به تهدیدها، می تواند نشانه ای از بحث در محافل سعودی درباره بازتعریف سیاست امنیتی ریاض از «خویشتن داری» به بازدارندگی فعال تر تلقی شود.

گذار از «خویشتن داری» به بازدارندگی فعال در سیاست امنیتی ریاض

محوری ترین گزاره الفیصل آن است که «خویشتن داری دیگر قابل اعمال نیست». او با یادآوری سنت تاریخی ریاض در پرهیز از ورود شتاب زده به جنگ، مدعی شد عربستان پیش از آغاز تقابل آمریکا و اسرائیل با ایران نیز واشنگتن را از اقدام نظامی بر حذر داشته بود؛ اما حملات انصارالله، حملات منتسب به گروه های عراقی و سوابق تقابل با ایران، شرایط را تغییر داده است. این صورت بندی را می توان نشانه تلاش برای ایجاد مرز جدید میان اولویت دیپلماسی و حق اقدام متقابل نظامی دانست؛ یعنی ریاض علی رغم ادعایش مبنی بر ترجیح کاهش تنش در منطقه، می کوشد هزینه عبور از خطوط قرمز خود را معتبرتر سازد.

پیوند امنیت عربستان با معادله هرمز. باب المندب و مهار تهدید انصارالله

افیصل در این گفتگو ادعا کرده که تحرکات انصارالله در یمن با بحران هرمز مرتبط است و تهران در پیوند دادن فشار در هرمز و باب المندب نقش دارد. او در عین حال برتری پایدار انصارالله در یمن را به چالش کشیده و منازعه را همچنان باز و قابل تغییر توصیف نموده است. اهمیت این موضع برای ریاض، تبدیل پرونده یمن از یک بحران مرزی به مسئله ای مرتبط با امنیت دو آبراه راهبردی و استمرار صادرات انرژی است. اختلال اخیر در خط شرق-غرب نیز نشان داده مسیر جایگزین هرمز از طریق دریای سرخ خود می تواند در معرض تهدید قرار گیرد.

مطالبه بازطراحی چتر امنیتی آمریکا متناسب با عصر موشک و پهپاد

رئیس پیشین سازمان اطلاعات سعودی حضور نظامی سنتی آمریکا را برای عصر پهپاد و موشک ناکافی دانسته و خواستار «بازتصور» ارزش آن شد؛ با این حال خروج آمریکا را نیز راه حل قلمداد ننموده است. این موضع گیری اگرچه از مطالبه پایان وابستگی امنیتی به واشنگتن حکایت نمی کند، لیکن خواهان تغییر چتر امنیتی آمریکا از حضور نمادین نیرو و ناو به بازدارندگی مؤثر در برابر تهدیدهای موشکی و پهپادی است. این بحث با تردیدهای گسترده تر کشورهای خلیج فارس درباره کفایت تضمین های امنیتی آمریکا هم زمان شده است.

مشروط سازی اعتماد به تهران و طرح مطالبه تضمین عملی از میانجی چینی

افیصل توافق ۲۰۲۳ ایران و عربستان را با اهمیت دانسته با این حال هرگونه اعتماد آ آینده را به «اقدامات قابل مشاهده» تهران مشروط نموده و از چین خواسته است که مسئولیت خود را به عنوان میانجی

توافق ایفا و فعال نماید. این موضع نشان می‌دهد که ریاض هنوز کانال پکن را بخشی از معماری مهار تنش می‌داند، اما قصد دارد هزینه سیاسی بیشتری برای چین در قبال رفتار ایران تعریف کند.

تشبیه ایران به رژیم صهیونیستی به عنوان دو منشأ تهدید در محیط امنیتی عربستان

در پرونده هسته‌ای ایران، الفیصل بر موضع رسمی ایجاد خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کرده و پرسش‌ها پیرامون حرکت عربستان به سمت سلاح هسته‌ای را نفی یا مورد تأیید قرار نداده است. مهم‌ترین رکن اظهارات الفیصل تشبیه تهران به تل‌آویو به عنوان خطری برای سعودی است. وی که پیش‌تر اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید منطقه می‌دانست، اکنون ایران و رژیم صهیونیستی را هم‌زمان تهدیدی برای امنیت منطقه خوانده است. او همچنین دولت نتانیاهورا به دلیل سیاست پیش از هفتم اکتبر در قبال حماس از مسئولیت مبرر دانسته است.

اظهارات ترکی الفیصل بیش از آنکه اعلام رسمی تغییر دکترین سعودی باشد، نشانه‌ای مهم از بازتنظیم ادبیات امنیتی ریاض است: حفظ دیپلماسی با ایران، مطالبه نقش فعال ترچین، بازطراحی بازدارندگی آمریکا و هم‌زمان افزایش آمادگی برای پاسخ به تهدیدات.

در این چارچوب، عربستان ظاهراً به دنبال کنارگذاشتن سیاست کاهش تنش نیست؛ بلکه می‌کوشد آن را با بازدارندگی سخت‌تر، حفاظت از زیرساخت انرژی و آزادی عمل بیشتر در برابر تهدیدات ناشی از یمن و عراق ترکیب کند. قرار دادن ایران و رژیم صهیونیستی در سطحی مشابه از تهدید نیز نشان می‌دهد سیاست جدید ریاض الزاماً به معنای پیوستن کامل به محور ضدایرانی تل‌آویو نیست، بلکه می‌تواند بخشی از تلاش سعودی برای ساخت موقعیتی مستقل‌تر در نظم امنیتی در حال تغییر منطقه باشد.

ادراک سازی از ورود فشار بر ایران به مرحله تازه با تشدید رهگیری تسلیحاتی و افزایش آمادگی آمریکا برای اقدام نظامی

«جروزالم پست» در گزارشی تحلیلی و تمجیدآمیز از تقویت ابتکار امنیتی اشاعه به رهبری آمریکا برای جلوگیری از انتقال تسلیحات، تجهیزات و فناوری‌های مرتبط با ایران خبر داده است. به زعم این رسانه صهیونیستی کشورهای عضو این ابتکار، هم‌زمان با یک سالگی بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت ذیل سازوکار اسنپ‌بک، متعهد شده‌اند اشتراک‌گذاری اطلاعات و سازوکارهای رهگیری محموله‌های مرتبط با برنامه‌های تسلیحاتی ایران، از جمله فناوری پهپادی، را گسترش دهند. جروزالم پست در ادامه به برجسته‌سازی بیانیه گروه جی ۷ پرداخته و آن را در امتداد کارزار تحریمی «عملیات طرد اقتصادی» و حمایت از ودعوت تهران به همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توصیف نموده است.

این رسانه صهیونیستی اقدام جدید تقویت تحریم تسلیحاتی را در کنار مجموعه‌ای از نشانه‌های افزایش فشار نظامی بر ایران قرار داده و با برجسته‌سازی موضع اخیر دونالد ترامپ مبنی بر اینکه «خیلی زود اتفاقاتی را خواهید دید» و آمریکا جنگ را «به یک شکل یا شکل دیگر، بسیار سریع» خواهد برد، از تقویت

موضع واشنگتن و تضعیف و اضمحلال جمهوری اسلامی در مواجهه با آن خبر داده و تصویری شکست خورده و سردرگم از جمهوری اسلامی بازنمایی کرده است.

«جروزالم پست» گزارش «آکسیوس» درباره نشست محرمانه مقامات ارشد دولت آمریکا در کمپ دیوید با محوریت موضوعات ایران و یمن و گزارش «واشنگتن پست» درباره بررسی اعزام سه ناو هواپیمابر، نیروهای بیشتر و تا ۱۵ جنگنده به منطقه را نشانه عزم کاخ سفید برای برخورد سخت و سخت گیرانه با ایران توصیف کرده است.

برآیند گزارش جروزالم پست تصویرسازی از حرکت هم زمان واشنگتن در سه مسیر فشار اقتصادی، محدودسازی دسترسی های تسلیحاتی و افزایش آمادگی برای تشدید نظامی علیه ایران است.

بازنمایی نشست کمپ دیوید به عنوان مقدمه احتمالی تشدید جنگ با ایران و گشایش جبهه جدید علیه انصارالله

گزارش اختصاصی «آکسیوس» درباره نشست چند ساعته و اعلام نشده مقام های ارشد امنیت ملی آمریکا در کمپ دیوید، طی ساعات گذشته در طیفی از رسانه های عبری، عربی و گُردی بازتاب یافته است. مطابق گزارش باراک راوید، نشست باریاست جی دی ونس و حضور مارکوروبیو، پیت هگست، استیوویتکاف، جان رتکلیف و ژنرال دن کین برگزار شده و دو پرونده «گام بعدی در جنگ ایران» و جنگ عربستان و انصارالله در یمن در کانون مذاکرات قرار داشته است. اهمیت گذاری آکسیوس بر این نشست عمدتاً از مقایسه آن با گردهمایی مشابه ژوئن ۲۰۲۵. چند روز پیش از جنگ اسرائیل و ایران ناشی شده است.

برجسته سازی «نشست محرمانه» به مثابه نشانه نزدیک شدن تصمیم نظامی

«هاآرتص» با برجسته کردن محرمانه بودن نشست، سابقه جلسه مشابه پیش از جنگ ۲۰۲۵ و عبارت یک مقام آمریکایی مبنی بر اینکه «موضوعاتی تصمیم گیری یا دست کم عمیقاً بررسی شدند»، گزارش رادر چارچوب احتمال بازگشت آمریکا به عملیات رزمی گسترده علیه ایران بازتاب داده است. «کردستان ۲۴» نیز همین خط را با سخنان ترامپ درباره لزوم تصمیم گیری میان توافق و تشدید تقابل ترکیب کرده است. در مقابل، «وای نت» و «تایمز آو اسرائیل» عمدتاً به باز نشر اصل خبر بسنده کرده اند و قاب تحلیلی مستقلی به آن نیفزوده اند.

ادراک سازی از شکل گیری یک صحنه عملیاتی پیوسته از ایران تا باب المندب

«جروزالم پست» بیش از سایر رسانه های بررسی شده، نشست را به آرایش نظامی آمریکا و احتمال گسترش جنگ متصل کرده و هم زمان از افزایش احتمالی حضور ناوهای هواپیمابر، نیروها و جنگنده های آمریکایی و برنامه عربستان برای بازپس گیری مناطق ساحلی یمن سخن گفته است. «شفق نیوز» نیز با کنار هم قراردادن آمادگی ایران برای پاسخ شدیدتر، درخواست ریاض برای حملات هوایی آمریکا

و عملیات احتمالی بیش از ۱۰ هزار نیروی یمنی، تصویری از هم‌گرایی دو پرونده ایران و یمن در محاسبات واشنگتن ساخته است. این چارچوب با گزارش مستقل آکسیوس درباره برنامه ضدانصارالله عربستان و احتمال تغییر موضع واشنگتن در صورت دشوار شدن عملیات تقویت شده است.

مهم‌ترین محورهای عملیات روانی بازتاب گزارش آکسیوس

در مجموع، بازتاب منطقه‌ای گزارش بر سه محور متمرکز است:

- ❖ القای عبور تدریجی واشنگتن از مرحله مذاکره به تصمیم‌سازی نظامی؛
- ❖ برجسته‌سازی محرمانه و «غیرمعمول» بودن نشست به عنوان علامت قریب الوقوع بودن تحول؛
- ❖ پیوند زدن فشار علیه ایران با مهار انصارالله و تأمین امنیت باب‌المندب.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های غربی و آمریکایی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ طرح ادعای درباره اخراج دو عضو هیئت ایرانی از آمریکا پس از بی‌اعتنایی به دستور خروج با هدف نمایش افزایش قاطعیت واشنگتن و محدود تر شدن فضای تعامل دیپلماتیک
- ❖ بازنمایی جنگ ایران در نیویورک تایمز به عنوان نمونه شکست اتکای آمریکا به فشار نظامی و اقتصادی و ناتوانی این سیاست در وادار سازی تهران به تسلیم
- ❖ برجسته سازی هزینه بیش از ۴۳ میلیارد دلاری جنگ، افزایش قیمت انرژی و فشار بر ذخایر تسلیحاتی آمریکا برای به چالش کشیدن روایت دولت ترامپ از موفقیت کارزار علیه ایران
- ❖ آینده هراسی از احتمال افزایش حملات ایران به کشتیرانی و زیرساخت های نفتی خلیج فارس در صورت تداوم فشار یا از سرگیری حملات گسترده آمریکا
- ❖ طرح موضوع تقویت احتمال خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای و حرکت به سوی بازدارندگی هسته ای در نتیجه استمرار جنگ و فشارهای واشنگتن
- ❖ برجسته سازی تبدیل جنگ ایران به هزینه مستقیم انتخاباتی برای جمهوری خواهان با تمرکز بر نارضایتی از قیمت سوخت، هزینه زندگی و عملکرد ترامپ در قبال تهران
- ❖ بازنمایی گسترش رقابت سنا به ایالت های سنتی جمهوری خواه به عنوان نشانه فرسایش مزیت انتخاباتی ترامپ تحت تأثیر فشارهای اقتصادی و پیامدهای جنگ ایران
- ❖ هراس افکنی از نزدیک شدن تهران و واشنگتن به دور سوم جنگ با بازتاب ارزیابی کارشناسان گروه بین المللی بحران درباره افزایش خطر تشدید گسترده تر درگیری
- ❖ تشکیک در راهبرد فشار حداکثری واشنگتن با تأکید کارشناسان مؤسسه کوئینسی بر محاصره و فشار اقتصادی به عنوان محرک دور جدید جنگ
- ❖ گمانه زنی درباره تداوم تقابل فرسایشی و طولانی مدت میان ایران و آمریکا با تأکید بر حفظ ظرفیت دو طرف برای ادامه درگیری و نقش احتمالی چین در تغییر محاسبات واشنگتن

رصد و تحلیل

ادعای اکسیوس درباره اخراج دو عضو هیئت ایرانی از آمریکا پس از بی‌اعتنایی به دستور

خروج از نیویورک

اکسیوس مدعی شد دو عضو هیئت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، پس از آنکه در مهلت تعیین شده از آمریکا خارج نشدند، از این کشور اخراج شده‌اند. یک مقام آمریکایی گفته وزارت خارجه روز دوشنبه خواستار خروج فوری کل هیئت ایرانی شده بود و جمعه نیز این دستور را تکرار کرد. به ادعای این رسانه، یکی از دو دیپلمات جمعه شب و دیگری صبح شنبه نیویورک را ترک کردند.

اکسیوس این اقدام را نشانه دیگری از تشدید تنش تهران و واشنگتن هم‌زمان با تضعیف مسیر دیپلماتیک توصیف کرده است.

نحوه صورت‌بندی خبر، به‌ویژه تأکید بر عبارت «اخراج» و نقل قول تند مقام آمریکایی، احتمالاً با هدف نمایش افزایش قاطعیت واشنگتن در قبال تهران و القای محدود تر شدن فضای تعامل دیپلماتیک در مقطع فعلی صورت گرفته است.

بازنمایی جنگ ایران به عنوان الگوی شکست سیاست خارجی آمریکا و هشدار درباره احتمال حرکت تهران به سوی تشدید تقابل

«نیویورک تایمز» در مطلبی با عنوان «چرا ایران ممکن است تشدید جنگ را انتخاب کند»، روایت دولت ترامپ از موفقیت نظامی و اثربخشی محاصره ایران را به چالش کشیده و جنگ را نمونه‌ای از پیامدهای غرور راهبردی و اتکای بیش از حد واشنگتن به ابزار نظامی توصیف کرده است. نویسنده با اشاره به هزینه بیش از ۴۳ میلیارد دلاری جنگ، افزایش قیمت انرژی و فشار بر ذخایر تسلیحاتی آمریکا، استدلال می‌کند فشار اقتصادی الزاماً به تسلیم تهران منجر نخواهد شد.

در این چارچوب، به نقل از ولی نصر - استاد دانشگاه جانز هاپکینز و مشاور ارشد سابق دولت آمریکا در امور افغانستان و پاکستان - احتمال افزایش حملات ایران به کشتیرانی و زیرساخت‌های نفتی خلیج فارس در صورت تداوم فشار یا حمله مجدد مطرح شده است. مطلب همچنین هشدار می‌دهد که جنگ می‌تواند بحث خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و حرکت به سوی بازدارندگی هسته‌ای را تقویت کند. جمع‌بندی نویسنده آن است که سیاست‌های چند دهه‌ای واشنگتن، برخلاف اهداف اعلامی، بارها به تقویت جریان‌های تندرو در ایران انجامیده است.

بازنمایی گسترش نقشه رقابت سنا به ایالت‌های جمهوری خواه در پی افت محبوبیت ترامپ و فشار معیشتی متاثر از جنگ ایران

با فاصله حدود یک ماه تا انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، جهت کلی پوشش رسانه‌ای از «احتمال بازپس‌گیری مجلس نمایندگان توسط دموکرات‌ها» به طرح جدی تر سناریوی رقابت بر سر کنترل هر دو مجلس تغییر کرده است. تازه‌ترین نظرسنجی‌های «نیویورک تایمز» و دانشگاه سیه‌نا نشان می‌دهد رقابت سنا دیگر به چند ایالت چرخشی محدود نیست و دموکرات‌ها در تگزاس، آلاسکا، اوهایو، آیووا و حتی کانزاس - که پیش‌تر در حاشیه امن جمهوری خواهان قرار داشتند - به محدوده رقابت وارد شده‌اند.

گسترش میدان رقابت به عمق ایالت‌های جمهوری خواه

مهم‌ترین تغییر در این مرحله، انتقال فشار انتخاباتی از ایالت‌های متعارف رقابتی به جغرافیای

سنتی جمهوری خواهان است. «رویترز» گزارش داده دموکرات‌ها اکنون دره ایالتی که ترامپ در سال ۲۰۲۴ با اختلاف دورقمی برده بود، رقابتی شده‌اند. این تحول جمهوری خواهان را وادار کرده بخشی از منابع مالی خود را از رقابت‌های معمول به ایالت‌هایی مانند کانزاس منتقل کنند؛ نشانه‌ای از دفاعی‌تر شدن راهبرد انتخاباتی حزب در هفته‌های پایانی.

اقتصاد و قیمت سوخت در مرکز فرسایش مزیت ترامپ

در داده‌های «نیویورک تایمز»، عامل مشترک تقریباً تمام این ایالت‌ها نارضایتی از اقتصاد و هزینه‌های زندگی است. در پنج ایالت مورد بررسی، میزان رضایت از عملکرد ترامپ حدود ۴ درصد ثبت شده و حتی بخشی از رأی دهندگان او در سال ۲۰۲۴ اکنون ناراضی‌اند. به ویژه در آیووا، اوهایو و کانزاس، مخالفت جمهوری خواهان با نحوه مدیریت قیمت بنزین به سطح قابل توجهی رسیده است. نظرسنجی «آسوشیتد پرس - نورک» نیز این روند را تقویت کرده است؛ تنها ۱۷ درصد از آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ در زمینه هزینه زندگی و ۲۶ درصد عملکرد اقتصادی او را تأیید کرده‌اند و ۶۵ درصد سیاست‌های او را عامل اصلی بالا ماندن قیمت‌ها دانسته‌اند.

تبدیل جنگ ایران از مسئله سیاست خارجی به هزینه انتخاباتی

همزمان، جنگ ایران از یک پرونده سیاست خارجی به یکی از متغیرهای مستقیم انتخابات تبدیل شده است. بر اساس نظرسنجی «آسوشیتد پرس - نورک»، ۶۹ درصد آمریکایی‌ها معتقدند جنگ ارزش هزینه کردن نداشته و تنها ۲۸ درصد عملکرد ترامپ در قبال ایران را تأیید می‌کنند. اثر این فشار در رفتار نامزدهای جمهوری خواه نیز دیده می‌شود. در آیووا، اشلی هینسون که پیش‌تر با محدود کردن جنگ مخالفت کرده بود، اکنون خواستار پایان فوری آن شده و قیمت سوخت را به یکی از محورهای کارزار خود تبدیل کرده است. در کانزاس و برخی ایالت‌های دیگر نیز نامزدهای جمهوری خواه تلاش می‌کنند در موضوع هزینه انرژی فاصله بیشتری با کاخ سفید ایجاد کنند.

برتری نظرسنجی‌ها هنوز معادل پیروزی دموکرات‌ها نیست

با وجود این تغییرات، فضای کنونی هنوز به معنای تثبیت پیروزی دموکرات‌ها نیست. جمهوری خواهان در تعدادی از رقابت‌های مالی چشمگیری دارند و در تگزاس، اوهایو، آیووا، آلاسکا و کانزاس ده‌ها میلیون دلار بیشتر برای تبلیغات رزرو کرده‌اند. بخشی از برتری‌های دموکرات‌ها نیز در محدوده خطای آماری قرار دارد و این حزب برای کنترل سنا باید همزمان کرسی‌های آسیب‌پذیر خود را نیز حفظ کند.

جمع‌بندی

در یک ماه پایانی، مهم‌ترین تحول نه صرفاً بهبود اعداد دموکرات‌ها بلکه تغییر «نقشه رقابت» است. جمهوری خواهان اکنون ناچارند در ایالت‌هایی منابع صرف کنند که پیش‌تر امن تلقی می‌شدند. اگر تا روز انتخابات کاهش محسوسی در فشار معیشتی، قیمت انرژی یا هزینه سیاسی جنگ ایران ایجاد

نشود، رقابت میان دوره‌ای بیش از پیش می‌تواند به رفراوندومی درباره مدیریت اقتصادی ترامپ و هزینه‌های جنگ تبدیل شود.

بازنمایی چرخش فضای کارشناسی بین‌المللی از امکان مهار بحران به سناریوهای جنگ سوم و مناقشه بر سر خطای محاسباتی و واشنگتن

فضای تحلیلی فعالان و کارشناسان بین‌المللی درباره آینده تقابل تهران و واشنگتن در هفته‌های اخیر بیشتر بر سه مسئله متمرکز شده است: احتمال شروع دور سوم، خطای محاسباتی آمریکا درباره اثر فشار و شکل احتمالی درگیری بعدی. در این میان، گروهی از تحلیلگران از نزدیک شدن به یک نقطه شکست سخن می‌گویند، گروهی دیگر معتقدند واشنگتن در حال اشتباه گرفتن فشار با تسلیم است و طیفی نیز سناریوی جنگی طولانی، فرسایشی و بدون پیروزی روشن را محتمل‌تر می‌داند.

از «خطر جنگ» تا تصور نزدیک شدن به نقطه تصمیم

حمیدرضا عزیزی، تحلیلگر ارشد ایران در گروه بین‌المللی بحران، از جمله کسانی است که لحن ارزیابی او در هفته‌های اخیر به طور محسوسی هشدارآمیزتر شده است. او خطر دور تازه و گسترده‌تر تشدید رارو به افزایش دانسته و بازگشت به جنگ تمام عیار را «به طور فزاینده‌ای اجتناب‌ناپذیر» توصیف کرده است.

خطر دور جدید و بالقوه گسترده‌تر تشدید تنش به وضوح در حال افزایش است.

در میان تحلیلگران صهیونیست، آموس یادلین، رئیس پیشین اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل، از احتمال نزدیک بودن رویارویی سخن گفته و مدعی شده حتی در برنامه ریزی سفرهای خارجی خود احتیاط نشان داده است؛ نشانه‌ای از اینکه در بخشی از محافل امنیتی اسرائیل، سناریوی درگیری دیگر صرفاً یک احتمال دور تلقی نمی‌شود.

باراک راوید، خبرنگار حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی، نیز از قول ترامپ گزارش کرده است که رئیس‌جمهور آمریکا خود را در آستانه یک تصمیم تعیین‌کننده می‌بیند.

ترامپ گفت به نقطه‌ای حساس در جنگ ایران نزدیک می‌شود؛ نقطه‌ای که باید درباره از سرگیری حملات گسترده تصمیم بگیرد.

خطای محاسباتی و واشنگتن به عنوان محرک اصلی جنگ

در بخش دیگری از تحلیل‌های کارشناسان، مسئله اصلی نه آمادگی نظامی، بلکه برداشت آمریکا از کارآمدی فشار است. تریتا پارسی، معاون اجرایی مؤسسه کوئینسی و تحلیلگر روابط ایران و آمریکا، معتقد است دولت ترامپ بر این فرض حرکت می‌کند که تداوم محاصره و فشار اقتصادی نهایتاً تهران را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد؛ در حالی که به گفته او، ظرفیت ایران برای تشدید متقابل همچنان بالاست.

ادامه فشار اقتصادی ترامپ بر ایران، همراه با عدم تمایل به لغو محاصره در برابر امتیازات ایران، بیش از آنکه به گشایش دیپلماتیک منجر شود، احتمالاً دور تازه‌ای از جنگ رارقم خواهد زد. **تریتا پارسی** در ارزیابی دیگری نیز گفته است:

خطر جنگ سوم راجدی می‌بینم. برآیند تحولات می‌گوید احتمال جنگ بیشتر است تا توافق. از نگاه او، عنصر تازه در محاسبات ترامپ این است که فشار بر ایران فقط به مسئله پرونده هسته‌ای یا جنگ محدود نمانده و با ملاحظات داخلی آمریکا نیز درهم تنیده شده است. همین امر می‌تواند تصمیم‌گیری واشنگتن را از منطق صرفاً امنیتی دورتر کند.

سناریوی سوم؛ نه صلح، نه تقابل فوری

در مقابل ارزیابی‌های مبتنی بر وقوع سریع یک حمله گسترده، علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران، تصویر متفاوتی ارائه می‌کند. از نگاه او، تهران و واشنگتن هر دو همچنان ابزار و منابع لازم برای ادامه تقابل را دارند و ممکن است درگیری برای مدتی طولانی در سطحی میانی ادامه یابد.

جنگ ایران هنوز به پایان نزدیک نشده است؛ تهران و واشنگتن هر دو منابع لازم برای ادامه درگیری برای مدتی طولانی را در اختیار دارند.

محمد آیت‌اللهی طبار، استاد علوم سیاسی و پژوهشگر سیاست ایران، نیز بر استمرار منطق تشدید تأکید کرده و صلح پایدار را در چنین ساختاری بعید دانسته است. این نگاه، سناریوی «جنگ فرسایشی بدون نقطه پایان روشن» را در برابر دوگانه صلح یا جنگ تمام عیار قرار می‌دهد.

متغیر چین

تریتا پارسی در بخشی دیگر از تحلیل خود، چین را یکی از محدود بازیگرانی می‌داند که می‌تواند بر محاسبات ترامپ اثر بگذارد.

یک متغیر غیرمنتظره که می‌تواند محاسبات ترامپ را تغییر دهد، تصمیم چین برای ورود دیپلماتیک به این بحران است.

با این حال، او هم‌زمان تأکید دارد پکن تاکنون از پذیرش مستقیم مسئولیت سیاسی و اقتصادی این بحران فاصله گرفته و نشانه‌ای از تمایل جدی برای ورود پرهزینه به میانجی‌گری نشان نداده است.

خطوط غالب در ارزیابی کارشناسان خارجی

❖ افزایش نشانه‌های نظامی و سیاسی، تحلیل‌ها را از هشدار عمومی به بحث درباره زمان و شکل دور سوم جنگ سوق داده است.

❖ فشار اقتصادی و محاصره، در بخشی از تحلیل‌ها نه ابزار پایان جنگ بلکه محرک احتمالی دور تازه درگیری تلقی می‌شود.

❖ اختلاف اصلی بر سر شکل تقابل آینده است؛ حمله گسترده، تشدید محدود یا فرسایش طولانی مدت.

- ❶ ظرفیت ایران برای پاسخ متقابل، مهم‌ترین متغیری است که منتقدان سیاست ترامپ آن را دست‌کم گرفته شده می‌دانند.
- ❷ چین در برخی ارزیابی‌ها تنها بازیگری است که می‌تواند محاسبات واشنگتن را تغییر دهد، اما اراده آن برای ورود جدی محل تردید است.

جمع‌بندی نهایی

برآیند مجموعه روندهای رصد شده نشان می‌دهد محور مشترک بخش عمده تحولات، شکل‌گیری یک **پیوند فزاینده میان جنگ، اقتصاد، دیپلماسی و افکار عمومی** است. در سیاست داخلی، مناقشه دیگر صرفاً بر سر عملکرد دولت یا یک پرونده دیپلماتیک محدود نیست؛ بلکه موضوعاتی چون هجمه علیه دستگاه دیپلماسی، اختلاف بر سر طرح‌های معیشتی شهرداری و بازنمایی خطر جنگ، به منازعه گسترده‌تری درباره چگونگی مواجهه کشور با فشار خارجی تبدیل شده است. یک سوی این منازعه بر ضرورت مذاکره و جلوگیری از تصاعد بحران تأکید می‌کند و سوی دیگر نسبت به تبدیل امتیازدهی یا ارسال سیگنال ضعف به عاملی برای افزایش فشار آمریکا هشدار می‌دهد. در نتیجه، **نسبت دیپلماسی و بازدارندگی** به یکی از مسائل مرکزی فضای سیاسی و کارشناسی تبدیل شده است.

در حوزه امنیتی، **نظامی و رسانه‌های معاند**، هم‌زمانی افزایش آرایش نظامی آمریکا، استمرار محاصره دریایی، طرح آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حمل و نقل و گمانه‌زنی درباره جنگ سوم، زمینه‌ای ایجاد کرده که در آن هر تحول اقتصادی، امنیتی یا اجتماعی قابلیت قرار گرفتن در چارچوب «مرحله پیش از جنگ» را پیدامی‌کند. رسانه‌های معاند نیز این مؤلفه‌ها را با کاهش ارزش پول ملی، اعتراضات صنفی، مسائل دانشگاه‌ها و برخی حوادث امنیتی پیوند می‌دهند تا تصویری از **هم‌زمانی فشار خارجی و فرسایش داخلی** ارائه کنند. پیامد چنین روندی می‌تواند افزایش حساسیت افکار عمومی نسبت به نشانه‌های نظامی و تبدیل حتی تحولات محدود به مؤید روایت نزدیک بودن جنگ باشد.

در حوزه **اقتصادی** نیز بازار ارز، خودرو، انرژی، بورس، مسکن و معیشت دیگر صرفاً به عنوان پرونده‌های مستقل اقتصادی بازتاب نمی‌یابند؛ بلکه تحریم، محدودیت درآمد نفتی، محاصره و نااطمینانی ناشی از جنگ به متغیرهای توضیح‌دهنده آنها تبدیل شده‌اند. در مقابل، خود فشار اقتصادی نیز در روایت آمریکا و بخشی از رسانه‌های خارجی به عنوان شاخص سنجش موفقیت سیاست **انزوای اقتصادی و طرد مالی ایران** مطرح شده است. این هم‌پوشانی سبب می‌شود استمرار ناترازی‌ها و بی‌ثباتی بازارها علاوه بر پیامد اقتصادی، واجد آثار اجتماعی و سیاسی نیز شود.

در سطح **منطقه‌ای و بین‌الملل**، تصویر آینده همچنان دوگانه و سیال است. از یک طرف، تحرکات قطرو برخی مسیرهای میانجی‌گرانه نشان می‌دهد روزه دیپلماسی کاملاً بسته نشده؛ از طرف دیگر، گسترش فشار از هرمز به **کریدور خزر**، تغییر محاسبات امنیتی عربستان، پرونده انصارالله و بازنمایی نشست کمپ دیوید، از توسعه جغرافیایی و موضوعی بحران حکایت دارد. در **حوزه بین‌الملل** نیز افزایش هزینه جنگ برای آمریکا و تبدیل آن به مسئله‌ای انتخاباتی الزاماً با کاهش احتمال تشدید نظامی همراه نشده است. بنابراین، مهم‌ترین روند پیش‌رو می‌توان تداوم یک وضعیت **میان جنگ و مذاکره** دانست؛ وضعیتی که در آن فشار اقتصادی، آمادگی نظامی، بازدارندگی متقابل و تلاش‌های دیپلماتیک به طور هم‌زمان ادامه دارند و تغییر در هر یک از این متغیرها می‌تواند مسیر سایر حوزه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

مرکز رصد و پایش ق. رسانه